درانداز شکوه بزرگ

علی‌اصغر نگهانی



در اندیشه حکومت برتر

مشخصات کتاب

سرشناسه : کیانی، علی اصغر، 1351 -

عنوان و نام پدیدآور : در اندیشه حکومت برتر/مولف علی اصغر کیانی.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، 1387.

مشخصات ظاهری : [148] ص.

شابک : 15000 ریال:978-600-5335-05-7

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی توصیفی

یادداشت : پشت جلد به انگلیسی: Ali Asghar kiyani. Hokumat - e bartar.

یادداشت : کتابنامه: ص. [135 - 148]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

ص:1

اشاره

تقدیم به آخرین نشانه هدایت

ذخیره الهی:

منجی امت ها و موعود مصلح

ص:2

در اندیشه

حکومت برتر

ص:3

در اندیشه ی حکومت برتر

نویسنده/علی اصغر کیانی

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

نوبت چاپ/ اول، تابستان 87

قیمت/ تومان

تیراژ/

مراکز پخش:

قم: مرکز تخصصی مهدویّت/خیابان شهداء (صفائیه)/ کوچه آمار (22)/ بن بست شهید علیان

ص.پ119_37135 / تلفن: 7737160 / فاکس: 7737801

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) /ص.پ355_15655

WWW.IMAMMAHDI.COM

info@imammahdi.com

ISBN:

ص:4

فهرست مطالب

پیش درآمد 9

چیستی حکومت17

ضرورت برپایی حکومت20

اندیشه حکومت واحد جهانی در تاریخ21

بخش اول

نگاه به آینده در اندیشه متفکران

الف) متفکران و دانشمندان متقدم27

1- افلاطون (جهان فیلسوف شاهی)29

2- فارابی (مدینه فاضله فارابی در معموره ارض)30

3- تامس مور (یتوپیای جهانی)32

4- آگوستین قدیس (شهر خدا و شهر زمین)34

5- سیسرون (قانون واحد جهانی)36

6- توماس هابز (نظام جهانی مقتدر)37

7- بولتاک (اجتماع واحد جهانی)39

ب) متفکران معاصر واندیشه ی حکومت واحد جهانی40

1_ کانت (جامعه مشترک الاخلاق جهانی)40

2_ فیخته (وحدت کامل جهانی)42

3_ راسل (سازمان جهانی برای اداره حکومت جهانی)43

ص:5

4_ توین بی (جامعه معنویت گرای جهانی)44

5_ لوکا (جهان وطنی)46

6_ دانته (مدیریت واحد جهانی)46

7_ انشتین (کنترل بین المللی جهانی)47

8 _ مارکس (جامعه سوسیالیسم جهانی)47

9_ فوکویاما (حاکمیت جهانی لیبرال دموکراسی)49

(9-1) حرکت تاریخ53

(9-2) تئوری پایان تاریخ55

(9-3) حکومت پایانی59

نقد و بررسی آرا و اندیشه ها62

نقد نظریه فوکویاما65

بخش دوم

جهان آینده در دیدگاه ادیان

1) جهان گرایی از دیدگاه ادیان غیر از اسلام73

1_1) یهود و وراثت حکومت جهانی73

1_2) مسیحیت و سلطنت جهانی مسیح75

1-2-1) اجتماع امت ها77

1-2-2) تحقق ملکوت الهی77

1-2-3) تحقق صلح الهی در جهان78

4-2-1) تحقق سلطنت الهی79

2- جهان گرایی و ویژگی های آن در اندیشه ی اسلام79

2-1) آیین اسلام و جهان شمولی79

2_1_1) جاودانگی84

2_1_2) برنامه کامل زندگی90

ص:6

2_ 2) حکومت مصلح جهانی (اندیشه ی مهدویت)96
2_2_1) حکومت مصلح جهانی در نگاه آیات96
مؤلفه های حکومت جهانی مصلح موعود104
3- شاخصه های حکومت برتر117
الف) الهی بودن حکومت مهدوی117
ب) ایجاد امکانات و زمینه های مناسب118
ج) یاری الهی119
3- جامع نگری120
4- مدیریت برتر121
3-1) بهره وری کامل از علم121
3-2) سعه صدر و بینایی122
3-3) اداره برتر جهان123
4- برخورداری از امکانات لازم124
5- کارآمدی و به روز بودن125
6- همراهی و همدلی مردم125
7- برخورداری از کارگزاران کارآمد126
8- دارای برنامه و تلاشگر127
8-1) جهاد فرهنگی128
8-2) جهاد اخلاقی130

3-8) جهاد علمی132

4-8.جهاد اعتقادی133

9- اهداف متعالی و در دسترس134

10- تسلط بر امور134

کتاب نامه136

ص:7

ص:8

مقدمه

اندیشیدن درباره «نوع مطلوب حکومت» و «سعادت و فرارسایی بشر»،یکی از دل مشغولی ها و موضوع نظریه پردازی فلسفه دانان و اندیش ورزان است.بزرگان دانش در یک سیر فکری فزایندۀ ایدۀ «جامعه مشترک جهانی«را تحت«حکومت واحد»مطرح کرده و نگرش ها و واکاوی های خود را دربارۀ آن ارائه داده اند.این رویکرد نظری،هم پوشانی فراوانی با آموزۀ «یک جهان،یک دین،یک امت»دارد که از سوی دین های آسمانی –به خصوص شریعت پایدار اسلام- بیان شده است.

برجسته ترین انگارۀ دینی در این زمینه تشکیل«حکومت جهانی مصلح موعود،در پایان تاریخ و اصلاح کامل امور انسانی به دست او

دارد. این اندیشهٔ بنیادین و پیشینه دار، برای کارآمدی و کارآیی بیشتر «سیاست»و قرار گرفتن آن در مسیر درست و واقعی خود است که از آن می توان با عنوان«حکومت برتر» (سیاست فاضله) یاد کرد.خواستگاه و زیر بنای این آموزهٔ متعالی و مانا را می توان در گزینه های مختلفی جست و جو کرد؛از جمله:

1. فطرت خدایی و گوهر واحد انسان ها،آنان را به سمت تشکیل یک جامعهٔ جهانی سوق می دهد.

2. شکست و ناکامی حکومت ها و نظام های سیاسی،بیان گر به پایان رسیدن «نظر ورزی» مکاتب بشری و ایده پردازی ناقص و ناکارآمد آنها («اتمام ظرفیت ها و توانایی های آنها) است.

3. جوامع انسانی،در یک سیر تکاملی و فرارسایی قرار دارند که در نهایت،آنان را به تشکیل یک «حکومت جهانی الهی»و قرار گرفتن در مدار کمال نهایی می رساند.

4. ظلم ستیزی و زدودن سایهٔ استبداد و ستمگری و نجات مظلومان و طبقات پایین جامعه و بی بهره گان از قدرت و ثروت،آروزی همه نیک اندیشان و انسان دوستان است که پرتو حکومت مقدر و با نفوذ جهانی حاصل می شود.

5. غایت حرکت قانون مند تاریخ و الگوی به دست آمده از سیر استکمالی آن، ما را به مقصد نهایی فرجام متعالی رهنمون می شود.

مهمترین خصیصهٔ آن، رسیدن«جامعهٔ واحد بشر» و تحقق اهداف آفرینش در پرتو آن است.

6. ادیان و مصلحان بشری،بر وقوع تحولات گسترده در آخرالزمان و شکل گیری جامعه موعود قدسی و دوران پر خیر و برکت و شکوهمند،اتفاق دارند و بر اصلاح همه امور فرهنگی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در آن عصر پافشاری می کنند.

7. مهمتر از همه،بشارت ها و برنامه های روشن قرآن کریم دربارهٔ حاکمیت مستضعفان،وراثت و خلافت صالحان،نابودی گروه زراندوز و زورسالار و تباه گر (باطل)، برتری دین الهی در عالم و ... بیان گر مرحلهٔ نوینی در تاریخ بشری و رسیدن انسان به سعادت،تکامل و روشن بینی است.

منابع روایی،تصویر روشن و جامعی از این مرحلهٔ طلایی و نیک فرجامی بشر را ارائه کرده و تحقق آن را به دست مصلح موعود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - از فرزندان گرام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم– دانسته اند.

بر اساس آموزه های دینی،مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، در مهمترین و حساس ترین برههٔ زمانی قیام کرده و انقلاب بزرگ جهانی را رهبری خواهد کرد. پس از پیروزی در این انقلاب مقدس، حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد داد و با همراهی رجال الهی و انسان های صالح و برجسته، حیات بشری را در مسیر درست قرار خواهد داد.

سیاست فاضله، کارآمدی و اثر گزاری بالا، عدالت فراگیر، قانون جامع و برتر، مدیریت الهی و اقتدار معنوی و... از ویژگی های بارز این «حکومت جهانی» است.

دوست فاضل و پژوهش گر ارجمند جناب آقای کیانی در کتاب در اندیشه حکومت برتر، در صدد تبیین و بررسی مؤلفه های آغازین شکل گیری اندیشهٔ حکومت واحد جهانی و تداوم آن در طول تاریخ برآمده و به خوبی دیدگاه مکاتب، دانشمندان و ادیان را در این زمینه مطرح کرده اند. آن گاه سیر کمال گرایانهٔ اندیشهٔ بشری را بر اساس جامعیت و فراگیری دین اسلام و در نهایت شکل گیری جامعه موعود الهی و تأسیس حکومت جهانی به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خوبی تبیین کرده اند.

مهم ترین ویژگی این اثر، گردآوری دیدگاه های دانشمندان دربارهٔ «بایستگی تشکیل حکومت واحد جهانی» و منحصر بودن رفع مشکلات و کاستی ها توسط این حکومت فراگیر است. همچنین بررسی ملاک ها و شاخصه های موفقیت و کامیابی حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و زمینه ها و بسترهای قرآنی و روایی شکل گیری این «حکومت برتر» است.

ص:12

امید است که این پژوهش،آغازی نیک برای تحقیقات بعدی دربارۀ ویژگی ها و شاخصه یک حکومت برتر و کارآمد و زمینه ای برای بازکاوی دقیق تر و جامع تر «اندیشه مهدویت» باشد. برای مؤلف محترم آرزوی موفقیت و سربلندی دارم.

رحیم کارگر

ص:13

پیش درآمد

اشاره

بی گمان حکومت یک ضرورت اجتماعی است. جامعه بشری بدان سبب که از انسان ها با منافع، خواسته ها و انگیزه های گوناگون تشکیل شده است، به گونه ای اجتناب ناپذیر نیازمند حکومت است. بی درنگ، نبود حکومت، سبب از هم گسیختگی بنیان های جامعه، هرج و مرج و بی نظمی خواهد شد؛ چرا که حکومت، به عنوان اساسی ترین عنصر در تنظیم امور جامعه و تضمین اجرای قوانین، در پیشرفت مادّی و معنوی جوامع، نقش تعیین کننده ای دارد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام، در پاسخ به دیدگاه باطل خوارج _ که حکومت را فقط در محدوده مسؤولیت های خداوند می دانستند _ فرمود:

«... وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ

ص:14

أَوْ فَاجِر...»(1)؛ «... و همانا مردم ناگزیرند از داشتن زمامدار؛ چه نیکوکار و چه بدکار...».

این فرمایش، بیش از آن که به حاکم و ویژگی های آن اشاره کند، ناظر بر ضرورت وجود حکومت است و نشان می دهد در جامعه بشری اهمیّت وجود حکومت، به اندازه ای است که حتی وجود حکومت غاصبانه و ولایت سیاسی نامشروع یک فرد فاجر، بهتر از وضعیت هرج و مرج اجتماعی و نبود حکومت است؛ زیرا حکومت _ هرچند نامشروع و ناموجّه _ بعضی از نیازمندی های اساسی جامعه را برطرف ساخته و پاره ای از نقص ها و کاستی های اجتماعی را برطرف می کند.

شریعت مقدس اسلام، به لحاظ نکات یاد شده و مانند آن، در آموزه های دینی، به مسأله حکومت و بایستگی آن، نگاه ویژه ای کرده است؛ به گونه ای که انبوهی از آیات و روایات اسلامی را می توان در این باره شناسایی کرد.

ضمن اینکه دین، حکومت را به عنوان یک ضرورت اجتماعی پذیرفته است؛ بیشترین سفارش را بر شکل گیری حاکمیت بر مدار دین و انسان های صالح و حق گرا، متمرکز کرده است؛ زیرا چنین حاکمی جامعه را به نیکی ها و رستگاری هدایت می کند و همچنین

1- نهج البلاغه، خطبه 40.

در پی آن است که هدف آفرینش انسان (بندگی خداوند) را(1)، تحقّق بخشد.

شیعه بر این باور است که حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آرمان همه انسان های آزاداندیش و آزادی خواه است. از این رو پژوهش و نگارش در عرصه «مهدویت» _ به ویژه مسأله بنیادین حکومت مهدوی _ امری ضروری می نماید. البته شناخت حکومت ها و آینده بشر، پرجاذبه و اندیشه برانگیز است و از طرف دیگر تصویر آینده بشر و پیوند آن با حکومت ها، از گذشته در کانون توجه بسیاری از اندیشمندان، متفکران، سیاستمداران و دولتمردان بوده است.

آینده بشریت در اسلام، ارتباطی ژرف و بنیادین با حکومت مهدوی دارد. مهندسی و شکل برنامه ها وسیاست گذاری های راهبردی، به صورت گسترده در آثار دینی تبیین و ارائه شده است؛ از این رو «اندیشه مهدویت»، طرح و پاسخی کامل و جامع به خواسته ها و نیازهای انسان در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی کنونی بشر است. تمام کاستی ها و نابسامانی های زندگی بشر با مراجعه به اندیشه مهدویت و رسیدن به حکومت عدل مهدوی، درساختار نظام نوین مبتنی برفطرت انسان و اصول درخواستی وی

1- g و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون f ؛ ذاریات(15)، آیه 56.

(عدالت، معنویت، امنیت و عقلانیت جمعی) استوار و سامان می یابد.

نوشتار پیش رو تلاشی در ارائه تصویر و تفسیری از نظریه سیاسی اسلام، درباره حکومت جهانی مهدوی با نگرش تطبیقی میان دیگر اندیشمندان و مکاتب داعیه دارغرب در اداره نظام جهان است.

چیستی حکومت

پدیده حکومت یکی از نمودهای زندگی مدنی و اجتماعی بشر است. هر چه بر مشکلات بشر، پیچیدگی زندگی، گوناگونی نیازها، پیشرفت تمدن و توسعه روابط و ارتباطات افزوده می شود، اهمیت و بایستگی حکومت و نقش بنیادین آن در تنظیم روابط و مناسبات سیاسی _ اجتماعی، بیشتر آشکار می گردد.

این رخداد مهم اجتماعی _ که نتیجه گرایش فطری بشر به زندگی اجتماعی است _ در مسیر تاریخ، فراز و فرودهای فراوانی داشته است. زمانی ابزاری برای اعمال قدرت در اختیار صاحبان زر و زور قرار گرفته و منافع سیاسی و اقتصادی آنان را تأمین کرده است و زمانی هم وسیله ای برای عدالت گستری در اجتماع بوده و در سایه آن ظلم ستمگران از گردن مظلومان برداشته شده است. گذشته نابسامان این رخداد مهم اجتماع بشری در بستر تاریخ و کارکردهای دو سویه و یا چند سویه آن، بیانگر این نکته مهم است که بنیادی تر و با اهمیت تر از پدیده حکومت، «ساماندهی» آن است.

انگاره های سیاسی و مفاهیم مرتبط با سیاست، همواره از معانی و تعریف های ثابتی برخوردار نیستند. واژه ای از منظر گروهی مطلوب و از دید گاه اندیشه ای دیگر، منفور و نامقدس است. همچنین باورداشت این مفاهیم، ثابت نبوده و با دگرگونی شرایط و تغییر وضعیت، مفهوم آن واژه نیز در آن باور تغییر می کند. واژه حکومت هم مانند دیگر واژگان سیاسی، نزد هر اندیشور و گروه سیاسی بر اساس همان فکر و اندیشه تعریف و تبیین شده است؛ به همین دلیل در آثار دانشوران حوزه علوم سیاسی تعریف یکسانی از مفهوم حکومت ارائه نشده است.

برخی از تعاریف این واژه عبارتند از:

مجموعه نهادهای مجری: «حکومت، مجموعه نهادهای مجری احکام و کار اصلی آن وضع قوانین و اجرای آنها است (1)».

قدرت سیاسی: «حکومت، قدرتی سیاسی است که امر ونهی می کند و قانون گذاری، ساست گذاری و اجرا را بر عهده دارد و مسؤولیت قضاوت و داوری و برقراری نظم و امنیت را بر دوش می کشد».

مجموعه ای از سازمان های اجتماعی: «حکومت یا نظام سیاسی

1- بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی، ص30.

عبارت است از مجموعه ای از سازمان های اجتماعی که برای تأمین روابط طبقات و حفظ انتظام جامعه به وجود می آید».(1)

کوشش سیاسی: «حکومت کوششی است که برای تحت قاعده مشخص درآوردن و تبیین نحوه پیوند عناصر یک نظام سیاسی خاص، صورت می گیرد».(2)

فرمانروایی سیاسی: «حکومت عبارت از است فرمانروایی یک شخص یا یک هیات حاکمه و یا هیات های مختلف بر جامعه ای، به منظور تنظیم و اصلاح امور اجتماعی و انتظام امر معاش آن جامعه».(3)

واسطه سیاسی: بنا بر نظر ژان ژاک روسو «حکومت واسطه ای است بین رعایا و هیأت حاکمه که آنها را به همدیگر مربوط می سازد و اجرای قانون و حفظ آزادی سیاسی را به عهده می گیرد».(4)

باری، به نظر می رسد حکومت عبارت از «مجموعه نهاد های سیاست گذار، برنامه ریز و اجرایی است که بر اساس اهداف معیّنی به

1- آقایی، بهمن و دیگران، فرهنگ علوم سیاسی، ج1، ص245.
2- آقایی، بهمن و دیگران، فرهنگ علوم سیاسی، ج1، ص245.
3- قلمدران، حیدر علی، حکومت اسلامی، ص6.
4- خداوندان اندیشه سیاسی، جلد 2، ص389.

دنبال تحقق خواسته ها و نیازمندی های عمومی مردم است».

ضرورت برپایی حکومت

نیاز فطری بشر به اجتماع و نیاز اجتماع به قانون و برنامه ریزی و ساماندهی ساختار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه از دلایل مهم تشکیل حکومت است. شناخت واقعی نیاز فطری بشر و فهم دقیق راهکار مناسب برای رفع این احتیاج، باعث پدید آمدن قبیله ها، قریه ها و اجتماعات گوناگون در سراسر جهان شده است. اجتماعات بشری به خاطر حفظ و بقای خویش و جلوگیری از هرج و مرج در ارتباطات و تعاملات، برای خود رهبر، دولت و حکومت تعیین کردند. محدودیت سرزمین های زیر نظر حکومت ها و سیری ناپذیری انسان، باعث شد دولت های حاکم بر هر جامعه ای، درصدد دست اندازی به سرزمین های دیگر باشند. نتیجه این رویکرد، نزاع، اختلاف، جنگ و خونریزی بود. از طرفی بعضی قدرت ها برای بقای خویش و تحکیم قدرت بیشتر با دیگر حکومت ها متحد شده و حکومت قوی تر و ماندگارتری را تشکیل دادند. مسائلی نظیر رفع نزاع ها و اختلافات، استفاده بهینه از امکانات زمین، تأمین صلح، آرامش و امنیت، بهره مندی یکسان مردم از نعمت های زمین و دوری از اضطراب و ترس در سایه وحدتی همگانی، ناگزیر بشر را به سوی جامعه ای واحد زیرنظر حکومتی واحد می کشاند.

ص:20

اندیشه حکومت واحد جهانی در تاریخ

یکی از بحث های مهم و اساسی که ذهن متفکران، اندیشمندان، سیاست مداران و دولتمردان را به خود جلب کرده، اندیشه تشکیل حکومت واحد جهانی است. این مسأله در طول تاریخ مورد توجه گروه ها، مکاتب و اندیشه های گوناگون بوده و تلاش های فراوانی نیز برای شکل گیری آن صورت گرفته است.

از دیرباز پژوهش گران و صاحبان اندیشه، با تکیه بر قوانین طبیعت، تعلیمات مذهبی و نظریه های اجتماعی، تشکیل جامعه ای وسیع تر برای رسیدن به وحدت نوع بشر را از امور ضروری دانسته اند. به عنوان مثال می توان به «مدینه فاضله افلاطون»(1) و یا نظریه سیاسی «سیسرون»(2) اشاره کرد که بر این باور بودند: نظام حاکم بر جهان باید یک نظام واحد باشد و یا نظریه «امانوئل کانت» که می گفت: برای رسیدن به صلح همگانی و دوری از جنگ، باید حکومت واحد جهانی تشکیل داد. اینکه فرجام بشر به حکومت واحد جهانی خواهد رسید، مطلبی است که در ادیان الهی نیز بدان اشاره فراوان

1- افلاطون، کتاب هفتم جمهوریت، به نقل از طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب، ص48.
2- طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب، ص134.

شده و در قرآن کریم، تورات و انجیل بدان بشارت داده شده است.

با این توصیف در رابطه با آینده بشر و سعادتمندشدن او در سایه یک حکومت واحد، به رهبری انسانی شایسته و والا که از ناحیه خدای متعال برانگیخته شده، موضوعی برگرفته از آموزه های وحیانی است. البته با نگاهی گذرا به تاریخ و رخدادهای آن، روشن می شود که اندیشه تشکیل حکومت جهانی همیشه با تکیه بر تفکر همگانی، مردمی و فراگیر نبوده است؛ بلکه دراکثر موارد، دولت ها و پادشاهان سعی داشته اند با جنگ، خونریزی و ظلم _ و با به دست آوردن منافع و خاک بیشتر _ فرمانروایی یگانه ای را به وجود آورند!! اما آنچه انسان ها و نوع بشر را برای پدید آوردن حکومت واحد جهانی با انگیزه کرده، صلح، امنیت، آرامش و عدالت، فراگیر و همگانی بوده است، نه جنگ و خونریزی و بی عدالتی؛ چرا که صلح طلبی و عدالت خواهی برای بشر، امری فطری و درونی است. براساس همین فطرت پاک و نهاد بی آلایش است که آدمیان براین باورند که سرانجام صلح و آرامش و عدالت با رهبری واحد سراسر گیتی را فراخواهد گرفت.

مطالعه پیشینه تاریخی بشر از «دولت _ شهرها»(1) در یونان

1- ر.ک: ویل، دورانت، تاریخ تمدن، یونان باستان، ج2، ترجمه امیرحسین آریان پور، صص225-224

باستان تا نظریه «دولت جهانی» در حال حاضر، روشن می سازد که حاکمان، متفکران و سیاستمداران بسیاری، از گذشته های دور برای تشکیل چنین حکومتی و پدید آوردن چنین فضایی در جامعه بشری، تلاش های بسیار، کرده اند. به عنوان مثال در 3500 سال قبل از میلاد حکومت های «مصر علیا» و «مصر سفلا» که هر کدام بر سرزمینی جداگانه حکومت می کردند، با اتحاد خود برای ایجاد یک قدرت قوی تر حکومت واحدی را به وجود آوردند.

«سومر» و «اکد» دو ملتی بودند که از حیث زبان، مذهب و نژاد از یکدیگر جدا و متمایز بودند؛ اما وحدتی را در بین النهرین پدید آوردند که نتیجه آن تشکیل حکومت و امپراتوری «بابل» شد. همچنین امپراتوری ایران باستان _ که یکی از قوی ترین و وسیع ترین امپراتوری های حاکم در جهان بوده _ از وحدت ساکنان اولیه ایران و آریایی ها به وجود آمده و بر بسیاری از مناطق دنیا حاکم بوده است.(1) همچنین شکل گیری جامعه واحد جهانی به دست برخی از پیامبران و صالحان، مانند حضرت سلیمان و ذوالقرنین و بسط و گسترش حاکمیت آنها به بیشتر نقاط جهان، خبر از تحقّق چنین جامعه ای

1- ر.ک: گریشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمدمعین، صص71-69.

می دهد. با اینکه قبل از وحدت و یکپارچگی این حکومت ها، بین آنها ستیزه جویی، دشمنی و جنگ بوده؛ اما با وحدت و تشکیل جامعه واحد و دولتی قدرتمند، توانستند به صلح و امنیتی نسبی دست پیدا کنند. به هر حال اندیشه شکل گیری حکومت برتر و فراگیر، همواره به عنوان یکی از راه حل های اساسی رفع مشکلات بشر و اصلاح جوامع انسانی، فراروی اندیشمندان و نحله های فکری قرار داشته و گاهی نیز تحت عنوان «آینده فکری» مطرح شده است. در بحث های بعدی به بعضی از این دیدگاه ها اشاره می شود.

ص:24

بخش اول: نگاه به آینده در اندیشه متفکران

اشاره

ص:25

ص:26

الف. متفکران و دانشمندان متقدم

اشاره

آینده باوری بایسته ترین و مهم ترین رکن زندگی اجتماعی و فردی به شمار می آید. بشر همواره تشنه دانستن آینده خویش بوده است. از این رو نوع نگرش به آینده، برای همه مردم به ویژه اندیشوران و سیاست مداران اهمیت و جذابیت ویژه ای داشته و دارد.

سرنوشت جهان در آینده چگونه خواهد شد؟ تاریخ بشر به کدام سمت و سو حرکت می کند؟ آیا بشر در آینده به امنیت، آسایش و راحتی خواهد رسید؟ آیا آینده انسان طعمه انواع سلاح های اتمی، هیدروژنی و شیمیایی خواهد شد؟ چه فرجامی در انتظار جهان است؟ و... توجه ویژه به آینده جهان در پاسخ به این گونه سؤالات و شایدپرسش های دیگر است.

جهان پی درپی و بدون توقف در حال حرکت است. تغییرات

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی در سراسر محیط زندگی بشر با آهنگی سریع در حال جریان است. اکثر جامعه های بشری، لجام گسیخته و فاقد هرگونه انسجام و اتحاد هستند. ابهامات و ناهنجاری های بسیاری، از قبیل آلودگی محیط زیست، فقر، نابرابری و ناامنی، فسادهای اخلاقی واجتماعی، بی عدالتی و ظلم، جهان معاصر را تهدید می کنند. البته فطرت کمال جو وحقیقت طلب بشری و طبیعت آرام و بی آلایش انسانی _ که با نظم هستی و امید به آینده همراه شده _ همه نابسامانی های پدید آمده در جهان را محکوم به فنا و نابودی می داند و فرجامی نیکو در سایه حکومتی واحد و عادل را برای جهان آرزو می کند. بر این اساس است که تشکیل حکومت واحد جهانی _ به شکلی که تمام مردم جهان با رهبری یگانه و قانونی واحد زندگی کنند _ در کلام و نوشته های بیشتر اندیشوران و نظریه پردازان سیاسی آمده است و بسیاری تأکید کرده اند که تنها راه نجات جهان، و سعادت بشر، در گرو تشکیل چنین حکومتی است. برخی آن را در سایه فیلسوفان موفق دانسته و برخی دیگر سرمایه داری و اقتصاد را بهترین راه فرض کرده اند. گروهی دموکراسی لیبرال را یگانه راه سعادت بشر معرفی کرده اند. عده ای هم تمام نظریه ها و تئوری های بشری را بر اساس تجربه تاریخی محکوم به شکست دانسته و حکومت دینی بر محور

عدالت را تنها راه، برای تمام جهان سعادت دنیا و انسان دانسته اند. در ذیل به نظریات برخی از این دانشمندان و متفکران می پردازیم:

1. افلاطون (جهان فیلسوف شاهی)

ریشه و پایه اندیشه جهان شمولی نظام های گذشته را باید در ایده ها و تفکرات اندیشمندان جست وجو کرد. دانشمندان و صاحب نظران بسیاری نظریه حکومت جهانی را از دیرباز مطرح و در راه رسیدن به آن تلاش فراوانی نموده اند که از جمله آنان افلاطون است.

وی از بزرگ ترین دانشمندان بوده و جهان علم به حق از دریای علوم او بهره ها برده است. او با اشاره به حکومت جهانی و تحقق آن توسط فیلسوفان می نویسد:

«جامعه ای که طرح کردیم (مدینه فاضله)، هرگز تحقق نخواهد یافت و گرفتاری های دولت ها و گرفتاری های انسانیت هرگز پایان نخواهد یافت، مگر اینکه فیلسوفان در این جهان شهریار شوند و یا کسانی که ما اینک ایشان را شهریار و فرمانروای خود می نامیم، به طور جدی و کافی در پی مطالعه فلسفه بروند...».(1)

1- به نقل از: طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، ص48.

از نظر «افلاطون» حکومت جهانی، همان «مدینه فاضله» است که سرانجام بشر باید آن را بپذیرد و برای رفع کاستی های خود و قرار گرفتن در مسیر کمال و ترقی، به آن پناه ببرد.

2. فارابی (مدینه فاضله فارابی در معموره ارض)

در بیان اندیشه «فارابی» ابتدا به بیان شمه ای از زندگی ایشان خواهیم پرداخت؛ چرا که شرایط اجتماعی زمان فارابی در شکل گیری اندیشه سیاسی وی نقش بسیاری داشته است.

ابونصر محمد فارابی در شرایطی دیده به جهان گشود که زمینه فروپاشی خلافت عباسیان آغاز شده بود. در نواحی شرقی خلافت، یعنی ایران، پادشاهان دارای استقلال بودند و خلیفه هیچ نفوذی بر سرزمین های تحت سیطره آنان نداشت. «فارابی» روزگار ضعف خلافت را درک کرد و عصر پر آشوب ستیزه های سیاسی و مذهبی را در جهان اسلام به چشم خود دید.

فارابی در چنین محیط پر فراز و نشیب و نابسامان سیاسی _ اجتماعی می زیست و اندیشه و آرمان سیاسی او، از اوضاع و احوال روزگار خویش تأثیر گرفته بود. البته فلسفه سیاسی او به اندیشه های «افلاطون» بسیار نزدیک است. غرض و هدف عمده فلسفه افلاطون

چه در کتاب جمهور و چه در مکالمات _ این است که اندیشه _ عدالت را به صورت یک حقیقت و واقعیت جهانی، جامه عمل بپوشاند.جامعه او، کشوری مملو از عدالت، زیبایی، همت، برادری و حسن نیت است. این حکومت آسمانی افلاطون، تنها جنبه نظری محض نداشته و افلاطون می خواسته است اگر بشود، آن را جامه عمل بپوشاند.به عقیده او، جهان مادی نمونه یا عکس ناقصی از مثال اعلا و کامل الهی است. با وجود این همانندی و نزدیکی فارابی به حکمت یونان، وی به عنوان حکیمی مسلمان، معتقد به آموزه های دینی اسلام بود و اندیشه سیاسی او همانند دیگر نظرات وی جوهر اسلامی دارد. به نظر فارابی، میل به اجتماع برای انسان وسیله است، نه غایت. غایت انسان، رسیدن به کمال است؛ کمالی که سعادت حیات دنیوی و اخروی باشد و این امر جز از راه زندگی اجتماعی میسّر نیست. پس غایت گرد آمدن مردم در اجتماعات و تعاون و همکاری آنها با یکدیگر، رسیدن به سعادت است. بنا براین بهترین اجتماعات، اجتماعی است که مردم در کارهایی با یکدیگر همکاری داشته باشند که آن کارها وسیله رسیدن به سعادت باشد. چنین اجتماعی «مدینه فاضله» نامیده می شود.مردمی که در مدینه فاضله زندگی می کنند و برای رسیدن به سعادت می کوشند، امت فاضل هستند و شهر و دیاری که چنین امتی در آن به سر می برند، معموره

فاضله و در سطح جهانی معموره ارض است. رئیس مدینه فاضله، آن کس نیست که همه به ریاست او اتفاق ورزند؛ بلکه آن است که نفسش با عقل فعّال اتصال یافته باشد.چنین ملکی بر همه علوم و معارف از طریق وحی _ خواه در بیداری و خواه در خواب _ آگاه است.به نظر می رسد، رئیس و پیشوای مدینه فاضله فارابی، همان امام شیعیان است و صفاتی که فارابی برای او بر می شمرد، همان است که شیعیان برای امام خودشان برمی شمرند.(1)

او که در متن تلاطم های اسلام پرورده شده است، به عنوان شارح بزرگ فلسفه یونان و بنیانگذار فلسفه سیاسی در عالم اسلام، در صدد یافتن جامعه و رهبر آرمانی است تا با یک نظام و حکومت واحد، به اوضاع متزلزل حاکم بر محیط، ثبات بخشیده و آرامش مورد نیاز یک جامعه پیشرفته را بر اساس تقوای سیاسی برقرار کند.(2) او جامعه ای بزرگ را در نظر دارد که ملت هایی بسیار را در برگرفته است.

3. تامس مور (یتوپیای جهانی)

«تامس مور» یکی دیگر از نظریه پردازان حکومت واحد جهانی

1- بزرگان فلسفه، صص269_270.
2- ر. ک: اصیل، حجت الله، آرمان شهر در اندیشه ایرانی، صص 140-144.

در قالب آرمان شهر است.آرمان شهر «مور»، یک «جامعه سیاسی» و «یتوپیا» است. نوع نظام آن دموکراسی پارلمانی است و نمایندگان مجلس از 54 شهر آن به طور غیر مستقیم انتخاب می شوند. در آرمان شهر «مور» قانون، حکومت و پادشاه واحد است. پادشاه می تواند تا آخر عمر حکومت کند؛ مگر اینکه مستبد شود که در این صورت می توان او را بر کنار کرد. در آرمان شهر، پول نیست و نیازی هم به آن نیست؛ زیرا تجارتی وجود ندارد. خانواده ها فرآورده های خود را به بازار می آورند و هر کس کالای ساخته شده مورد نیاز خود را بر می دارد.(1) در مدینه فاضله «مور»، همه کارها به بهترین وجه و به سود همه مردم انجام می گیرد. «مور» اظهار می دارد در مدینه فاضله، از توطئه توانگران برای استعمار و چپاول بینوایان و از نفرت، بغض، قمار و غرور بیش از اندازه اثری نیست.مالکیت خصوصی با خیر جامعه، ناسازگار تلقی می شود. در نظر ساکنان این مدینه فاضله، تنها راه رسیدن به عدالت کامل و عام، اشتراک منافع است. در این مدینه، همه درهای آسمان به روی زمین گشوده است؛ زیرا همه مردم، آن قدر از نعمت دنیا برخوردار هستند که در فکر سرقت مال همسایه نیفتند. در این مملکت، فقط یک دین وجود دارد و آن

1- عارف حسینی، سید محمد، نیک شهر قدسی، ص73.

دین مهربانی و محبت است. در نظام سیاسی مدینه فاضله، هدف عمده قانون گذاران و توده مردم، همکاری دوستانه بر اساس مساوات، فارغ از کینه، حسادت و طمع است.

4. آگوستین قدیس (شهر خدا و شهر زمین)

نخستین فیلسوف و اندیشمندی که اندیشه صلح جهانی را در قالب یک شهر خدایی مطرح کرد، «سن آگوستین» است. وی به یک نظام جهانی _ که همه جهانیان تابع و مطیع آن هستند _ قائل است. در نظر او همه مطیع آفریدگار یکتا هستند. صلحی که از نظر «افلاطون» فقط در داخل مرزهای «دولت شهر» میسر بود، از نظر «اگوستین» چنان گسترده است که همه جهان را فرا می گیرد. از آنجا که خداوند انسان را مأمور کرده است که همسایه اش را مثل خودش دوست بدارد، پس به ناچار این محبت را باید نسبت به زنان و کودکان ودیگر اعضای خانواده و نیز نسبت به تمام آفریدگان دیگر خدا داشته باشد. به این ترتیب چنین بنده ای در صلح، آرامش و سازگاری با تمام جهانیان به سر خواهد برد.(1)

در نظر «آگوستین» محور اتحاد و شکل گیری حکومت واحد

1- ر. ک: طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، ص134.

جهانی، سازگاری و رفتار مناسب براساس دوستی بین افراد جامعه است. از نظر وی هرگاه مردم توانستند طبق دستور خداوند، همسایه را چون خود و فرزند دیگران را فرزند خود دوست داشته باشد؛ می توان به یک جامعه سعادتمند، زیرنظر حکومتی مقتدر رسید.

وی در کتاب شهر خدا به دو نوع حکومت اشاره می کند (شهر خدا یا آسمان و شهر زمین) که در آن اندیشه و تفکر حکومت واحد جهانی به چشم می خورد. اگوستین ابتدا، حکومت دنیوی یا شهر زمینی را بیان می کند که در آن جهان داران و صاحبان قدرت، فرمان می رانند. به نظر وی اطاعت از ایشان تا وقتی که عدالت، امنیت و نظم را برقرار می کنند، وظیفه دینی است؛ ولی برای اعضای شهر خدا، دین وسیله ای است که باید از آن برای رسیدن به مقصد نهایی (صلح پایدار آسمانی) استفاده کرد.

آگوستین از منظری دیگر و در قالب مفاهیم وانگاره های روحی و عاطفی، حکومت واحد در جهان را به روشی دیگر بیان می کند. باور «آگوستین» بر این است که پیوند عشق، محبت و سازگاری براساس روابط عاطفی، می تواند باعث رخداد مهم حکومت واحد جهانی باشد. او معتقد است بندگان خدا می توانند به طور مثبت و فعال، با هم متحد شده و یکدیگر را _ که آفریده های خدای مشترک هستند _ دوست بدارند. البته این صلح تنها به معنای ترک جنگ و زندگی براساس همزیستی مسالمت

آمیز نیست؛ بلکه اتحادی فعال و ارتباطی عاطفی است که بر اندیشه ای سرشار از عشق، محبت و بهزیستی عاطفی استوار است. (1)

5. سیسرون (قانون واحد جهانی)

یکی از بزرگ ترین سخنوران روم قدیم «سیسرون» است که سال106ق.م به دنیا آمده است. «سیسرون» دارای فلسفه ای التقاطی بوده واز اندیشمندان بزرگی چون «افلاطون» و «ارسطو» الهام گرفته است. بینش جهانی و وسعت نظر ایشان در مسائل، نشان از ارتباط مستقیم اندیشه های او با تفکرات این دو دانشمند بزرگ دارد. در باور «سیسرون» فقط یک قانون واحد وجود دارد که بر سراسر هستی حکم فرما است. تمام آنچه در طبیعت وجود دارد، به ناچار باید با آن قانون تطبیق و از آن اطاعت کند.

اصل اساسی اندیشه سیسرون همان عقیده رواقیون به قانون و حقوق طبیعی است. از نظر «سیسرون» افراد در قانون، به شکل اعضای جامعه ای مشترک المنافع می باشند. او در این خصوص می نویسد: «افراد بشر به هر نحو که از حیث نژاد یا موقعیت جغرافیایی دولت های متبوعشان از هم جدا و مشخص باشند، باز به

1- رک: عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه های اسلام، صص 84-34.

حکم طبیعت اعضای یک دولت بزرگ و مشترک جهانی هستند که علاوه بر خدایان، تمام انسان ها را نیز در برمی گیرد». (1)سیسرون اعلام می داشت که: بالاترین هدف انسان آن است که _ چه عامل باشد چه معمول _ زندگی توأم با فضیلتی داشته باشد. و برای اجرای عدالت و جلوگیری از بی عدالتی بکوشد. سیسرون مُصر است که بی عدالتی عاقبت ندارد(2).
وی وفاداری آگاهانه به این «شهر جهانی»؛ یعنی جامعه بشری را بلندپایه ترین آیین اخلاقی می داند و در عین حال تاکید می کند که وفاداری به میهن و زادگاه نیز احساسی پرارج است. او میان این دو گونه وفاداری منافاتی نمی بیند؛ زیرا به نظر او تعهد فرد در برابر میهن خود، از تعهد او در برابر جامعه بشری ریشه می گیرد. در نظر سیسرون «شهر جهانی» بلندترین آرزوی بشری و بارزترین باور و اعتقاد انسان است. لذا وی سعادت و آینده روشن بشر را در گرو وفاداری و باور این «شهر جهانی» می داند.

6. توماس هابز (نظام جهانی مقتدر)

«توماس هابز» فیلسوف سیاسی، معتقد به حکومت واحد جهانی

1- به نقل از: طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، ص118.
2- بزرگان فلسفه، ص250.

بود. وی تاثیر زیادی در به وجود آمدن حکومت های نوین غربی بر اساس «قرار داد اجتماعی» داشته است. به عنوان مثال ردپای تفکرات «هابز» را می توان در اندیشه و باور لیبرالیسم و سازمان ملل متحد به راحتی مشاهده نمود. نقطه شروع تحقیق «هابز» انسان و انگیزه اش در کار و عمل است. هر چند هابز انسان را موجودی می داند که گرایش به قدرت، جنگ و خونریزی دارد اما به صلح و آرامش نیز در وجود انسان معتقد است. او در این باره می نویسد:

میل به آسایش و لذات حسی، انسان را وا می دارد که از یک قدرت مشترک اطاعت کند؛ زیرا چنین میل هایی، انسان را از آن امنیتی که می تواند از کار و زحمت خود امید داشته باشد، محروم می کند. ترس از مرگ و گزند هم او را به اطاعت از قدرت مشترک رهنمون می شود؛ زیرا چنین میلی شامل میل به آسودگی نیز هست و به ناچار انسان را از حفاظت قدرتی غیر از قدرت خویش، برخوردار می کند.(1)

«هابز» معتقد است تنها راه برای برقراری صلح در جهان، ایجاد یک حکومت قوی و حاکم بر همه جوامع و دولت ها است. به نظر او همه دولت ها و ملت ها، باید تابع یک حکومت قوی باشند که همه را

1- جونز، وت، اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، ص122-121

ساکت کرده به فرمان خویش درآورد. و در صورت نبود چنین حکومتی، وضع نامناسب و نا امید کننده به جود می آید؛ زیرا بدون قدرت برتر در جهان قانون، حق، عدالت، آرامش و امنیت شکل نمی گیرد؛ هر چند در مقطعی کوتاه به وسیله عهدنامه ها، توافق نامه ها، اتحادیه ها و سازمان های گوناگون، مرهمی کوتاه مدت بر دردهای بشر گذاشته می شود. بر اساس نظر«هابز» درمان نهایی و مناسب برای همه دردهای بشری در طول تاریخ، گرد هم آمدن تمام بشریت در زیر چتر یک حکومت واحد مقتدر است.

او در نوشته ها و گفته های خود می آورد:

برای اولین بار در تاریخ این فرصت پیش آمده است که یک حکومت در سطح جهان رهبری داشته و یک نظام جهانی مستقر شود و این به معنای صلح در سطح جهان و ریشه کن شدن تجاوز و جنگ هاست.(1)

7. بولتاک (اجتماع واحد جهانی)

این نویسنده و مورخ شهیر یونانی _ که در بین سال های 46تا 120 میلادی زندگی می کرده _ نظر خود را در رابطه با حکومت

1- به نقل از: لاریجانی، محمدجواد، کاوشهای نظری در سیاست خارجی، ص115-108.

واحد جهانی این چنین مطرح کرده است:

بر انسان واجب نیست که در جمهوری های متعدد زندگی خود را به سر برد؛ بلکه وظیفه مردم است که مجتمع واحدی را تشکیل داده و با پیروی از قانون واحد به سعادت برسند.(1)

ب. متفکران متأخّر واندیشه حکومت واحد جهانی

1. کانت (جامعه مشترک الاخلاق جهانی)

«امانوئل کانت»(2) از جمله اندیشورانی است که تفکر حکومت واحد در جهان را مطرح کرده است. «طرح صلح پایدار» رساله ای از وی است که ارتباط مستقیم با عقاید سیاسی او دارد. بیشتر انگاره های گفته شده در این رساله، در رابطه با صلح جهانی و دوری از جنگ، خونریزی و ستیزه جویی است. «کانت» بر این باور است که اروپا باید با یک «طرح و صلح عمومی» از جنگ و خونریزی فاصله بگیرد. اروپای متحد در سایه صلح و آرامش، طرحی است که امانوئل کانت برای ساختن جامعه ای واحد و سالم به دور از هرگونه شرارت، جنگ و

1- مصلح غیبی و حکومت واحد جهانی، ص16.
2- از مشاهیر فلسفه غرب و متولد شهر کوچکی در سرزمین «پروس» که تقریباً عمر خویش را در همان شهر به گوشه گیری و انزوا گذراند.

تجاوز ارائه نموده است.(1) به نظر کانت تحول و دگرگونی در زندگی بشر، در دو مرحله صورت می گیرد: مرحله نخست: پایان جنگ همه علیه همه است که با تأسیس و استقرار دولت در سطحی گسترده و وسیع در اروپا، تحقق کامل یافت و به انجام خود رسید. مرحله دوم: می بایست بنا بر استقرار نظمی بین المللی در شکل کنفدراسیونی متشکل از ملل مختلف باشد که جنگ بین کشورها را غیر قانونی و نامشروع دانسته و مانع آن گردد.(2) او در هفتادو یک سالگی کتابی به نام صلح جاودان نوشت و در آن از یک اتحاد جهانی متشکل از ممالک آزاد طرفداری کرد و اعلام داشت:

فرمانروایان ما پول ندارند که مصرف تعلیم و تربیت عمومی سازند...؛ زیرا همه منابع و خزائن خود را در راه تهیه تجهیزات جنگی تلف می کنند.وی نه تنها خواهان تقلیل نیروی نظامی؛ بلکه خواستار انحلال آن بود.به نظر او وظیفه دولت، ایجاد همبستگی میان تمام افراد بشر، با صلح جهانی است.کانت اعلام می دارد که این هدف و مقصدی است که بشریت به راهنمایی خداوند، برای رسیدن بدان تلاش

1- بیگدلی، علی، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، از طالس تا مارکس، ج1، ص215.
2- کارگر، رحیم، آینده جهان، ص41و42.

می کند.(1)

«کانت» در این باره می نویسد:

ایجاد نظم جهانی، منوط به وضع یک قانون جهانی است. این همان است که مذاهب آن را خواسته اند و این همان است که پیامبران از دورانی بس کهن، برای تحقق بخشیدن به آن بپا خاستند و خروش ها به پا آوردند. بدین گونه خواستند روشنگر تاریکی ها باشند.(2)

در نظر کانت اوضاع کنونی جهان دوام نخواهد یافت و یکی از بهترین راه های نجات بشر از وضعیت کنونی، تشکیل حکومت واحد در جهان است.

2. فیخته (وحدت کامل جهانی)

«فیخته» یکی دیگر از دانشمندانی است که نظام واحد جهانی را در اندیشه های خود مطرح کرده است. از دیدگاه فیخته، «ژرمن» برترین نژاد بوده و آلمان ها تنها ملتی هستند که می توانند صلح و آرامش را در جهان برپا نمایند.

باور «فیخته» براین است که اگر روزی عقاید سیاسی او در اروپا

1- بزرگان فلسفه، ص307.
2- بزرگان فلسفه، صص220-210.

پیاده می شد، اروپا زیرنظر حکومت آلمان ها به وحدت کامل می رسید. هرچند افکار نژادپرستانه در دیدگاه های «فیخته» موج می زند؛ اما باور حکومت واحد، از اساسی ترین انگاره ها در نظریه وی می باشد. در اندیشه «فیخته» جهان وقتی به سعادت و تکامل خواهد رسید که زیر نفوذ و نظر یک قانون و حکومت قرار بگیرد. او برای حکومت واحد مورد نظر خود، حکومت نژادپرست آلمان را تعیین کرده.

3. راسل (سازمان جهانی برای اداره حکومت جهانی)

«آیا بشر آینده ای هم دارد» کتابی است که فیلسوف مشهور انگلیسی، «برتراندراسل» نوشته است. باور وی در این کتاب بر این است که وضع مردم دنیا، در دوران بمب اتمی و هیدروژنی بسیار خطرناک و اسف بار است. وی تنها راه رسیدن به یک زندگی بدون دغدغه و جنگ را تشکیل یک «حکومت واحد جهانی» می داند.

«راسل» ضمن تاکید بر تشکیل حکومت واحد جهانی، ساختار این حکومت را نیز پیشنهاد می کند تا بشر در سایه آن، بتواند در صلح و آرامش به زندگی خود ادامه دهد. وی در این خصوص می نویسد:

ایجاد سازمانی جهانی که بتواند از وقوع جنگ جلوگیری کند،

امکان پذیر است... اقوا دلیلی که می تواند به نفع حکومت جهانی ذکر شود، آن است که اگر این حکومت _ آن گونه که شاید _ تشکیل شود، می تواند از وقوع جنگ جلوگیری به عمل آورد.(1)

در نظر «راسل» رقابت بین حکومت ها و دولت های مختلف، باعث جنگ و نزاع بین آنها شده و مانع پدید آمدن یک دنیای علمی زیرنظر حکومتی واحد می گردد. او در این باره می نویسد:

مادامی که یک حکومت جهانی در دنیا وجود ندارد، رقابت برای کسب قدرت ها بین کشورها وجود دارد. دنیای علمی بدون یک حکومت واحد جهانی، ثبات و دوامی نخواهد داشت.(2)

4. توین بی (جامعه معنویت گرای جهانی)

یکی دیگر از متفکرین صاحب نظر در مسأله حکومت جهانی «آرنولد توین بی» است. «توین بی» نویسنده اثر دوازده جلدی به نام مطالعه تاریخ است. او در این مجموعه 21 تمدن گذشته و حال را بررسی نموده است. شکل طرح موضوع برای کاوش های

1- راسل، برتراند، آیا بشر آینده ای هم دارد، ص154-144.
2- ر. ک: راسل، برتراند، آیا بشر آینده ای هم دارد، ص154-144.

تاریخی و نیز نحوه تلاش وی برای فهم وقایع جهان، از ویژگی های خاص مطالعات تاریخی این دانشمند است. در دنیایی که برای آینده جهان در اندیشه های «توین بی» طرح شده است، حکومتی جهانی با تکیه بر همکاری جهانی پدید خواهد آمد. در باور «توین بی» جامعه جهانی در آینده با سنگ خارای ایمان برپا می گردد، نه کلوخ های اقتصاد.

خلاصه دیدگاه وی را می توان چنین بیان کرد: تمدن هایی که موفق می شوند حکومت های وسیع تشکیل دهند، حکومت هایی که از ملیت های مختلف تشکیل یافته اند، در سراشیب اضمحلال یا «جدایی طلبی» قرار می گیرند؛ یعنی، ملت ها به تناسب دوری شان از قدرت مرکزی، برای مستقل شدن از آن تلاش می کنند. در چنین اوضاعی دولت مرکزی برای حفظ سیطره خود و یا به نحوی کنار آمدن با پدیده جدایی طلبی، مسأله «جهانی زیستن» را مطرح می کند. داعیه «جهانی بودن» از یک سو به ادامه تسلط حکومت مرکزی مشروعیت می بخشد و از سوی دیگر امکان می دهد که حکومت ها با قبول ظاهری ادعای جهانی بودن، در عمل رفتاری مستقل داشته باشند. وی با ارائه نمونه های فراوان از امپراتوری روم، چین و خلافت عباسی، سعی دارد این تئوری عمومی را اثبات کند. به عنوان مثال به نظر «توین بی» امپراتوری هایی که مشروعیت خود

را از دین گرفته بودند، با ادعای جهانی بودن آن دین، مساله جهانی بودن حکومت خود را مطرح می کرده اند. اگر چه تئوری «توین بی» در رابطه با توضیح پدیده حکومت های جهانی ناتوان است؛ اما آنچه را که می توان سرنخی مهم برای کاوش در این باره دانست، استفاده از یک مسلک جهانی برای توجیه جهانی بودن حکومت ها است.(1)

این متفکر شهیر انگلیسی، طی نطقی در کنفرانس صلح «نیویورک» با اشاره به ضرورت تشکیل حکومت واحد جهانی، می گوید:

تنها راه صلح و نجات بشر، تشکیل یک حکومت [واحد] جهانی و جلوگیری از گسترش سلاح های اتمی است.(2)

5. لوکا (جهان وطنی)

«ویلیام لوکا اریسون» فیلسوف مشهور آمریکایی می نویسد:

ما به مملکت واحد و قانون واحد و قاضی واحد و حاکم واحد برای بشر، اعتراف می کنیم. تمام شهرهای دنیا، شهرما و هر یک از جامعه بشر، ابنای شهر ما و ابنای وطن ما

1- ر. ک: لاریجانی، محمدجواد، کاوش های نظری در سیاست خارجی، ص234-233.
2- لاریجانی، محمدجواد، کاوش های نظری در سیاست خارجی، ص234.

هستند. ما زمین شهرهای خود را دوست می داریم.(1)

از نظر لوکا اریسون تمام ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جامعه بشری باید زیر نفوذ و ولایت یک حکومت واحد جهانی قرار گیرد.

6. دانته (مدیریت واحد جهانی)

«دانته» ادیب شهیر و توانمند ایتالیایی می نویسد:

واجب است تمام زمین و جماعاتی که در آن زیست دارند، به فرمان یک امیر باشند که آنچه را مورد حاجت است مالک باشد، تا جنگ واقع نشود و صلح و آشتی برقرار شود.(2)

از نظر این ادیب ایتالیایی، صلح، آرامش وامنیت فقط زمانی در جامعه جهانی پدید می آید که جهان با حاکمیت یک حکومت واحد اداره شود.

7. انشتین (کنترل بین المللی جهانی)

«انیشتین» دانشمند و فیزیکدان بزرگ بر این باور است که ملت های مختلف جهان _ از هر قوم و نژادی که باشند _ زیرنظر یک حکومت و پرچم واحد، در صلح، امنیت، آرامش، برادری و برابری

1- به نقل از: امامت و مهدویت، ج2، ص332.
2- به نقل از: امامت و مهدویت، ج2، ص332.

زندگی می کنند. او در این رابطه می گوید:

حکومت های متعدد خواه ناخواه به نابودی بشر منجر خواهند شد، و مردم جهان یکی از دو راه را باید انتخاب کنند؛ یا باید حکومت جهانی با کنترل بین المللی انرژی تشکیل شود و یا حکومت های ملی جداگانه فعلی، همچنان باقی بماند و منجر به انهدام بشری گردد.(1)

8 . مارکس (جامعه سوسیالیسم جهانی)

مهم ترین انگاره برای مارکس، رسیدن به آرمان شهر کمونیستی و از بین رفتن تضادها، استثمارها و کمبودها است.مارکس آینده را از آنِ سازمان جامع کمونیستی می داند که بر زندگی انسان ها حاکم می شود و در آن تمامی هستی های طبیعی، در حالت برابری و همکاری متقابل به کمال می رسند. این کمال، تقسیم کار را از میان می برد و بعد فراوانی بر جامعه حاکم می گردد. از خود بیگانگی از میان می رود؛ چون افراد، آزاد و به صورتی خلّاق در فعالیت های جامعه شرکت می کنند. انسان با خود و هم نوعانش بیگانه می شود و در آن حالت به عنوان موجودی کامل و نوعی، خود را در فرآورده

1- نسبیت انیشتن، ص35.

کارش باز می یابد.(1) بر اساس نظریه مارکس سرانجام تعارض بین نیروهای تولید سرمایه و روابط تولید _ که باور به وجود آنها در جامعه ی غیر سوسیالیستی دارد _ با حاکمیت کمونیسم و جامعه بدون طبقات، به طور کلی از بین خواهد رفت و نتیجه آن جهانی غیر سیاسی و خالی از کشمکش خواهد بود؛ زیرا فراوانی مادی و نبود طبقات، وجود چنان جهانی را امکان پذیر می کند. بر اساس این نظریه، خوشبختی جهان در سایه حکومت واحد کمونیستی با جامعه ای بدون طبقات امکان پذیر است.

«تروتسکی» و «استالین» نیز از جمله کسانی بودند که در قرون معاصر دیدگاه فراملیتی و جهان شمولی داشتند. آنها پس از تشکیل حکومت جماهیر شوروی، نظراتی را بیان کرده اند. «استالین» بر این عقیده بود که ابتدا باید با شوروی، شروع کرد و پس از تقویت و توانمندی شوروی آن را به عنوان الگوی برتر به دنیا معرفی کرد. به باور او پس از ارائه شوروی به عنوان برترین الگوی حکومتی، می توان پایه گذار و ارائه کننده حکومت واحد در جهان بود. «تروتسکی» برخلاف «استالین» بر این باور بود که جهان آمادگی پذیرش و دریافت پیام های «انترناسیونالیستی» و «کمونیستی» را دارد. بایستی به خلق جهان کمک کرد تا به پا خیزند و کمونیست شوند.

1- کارگر، رحیم، آینده ی جهان، ص45.

هر چند این دو با هم اختلاف نظر داشتند؛ امّا در اینکه باید حکومت واحدی را در جهان تشکیل دهند، هم نظر بودند؛ به طوری که «تروتسکی» باورداشت جهان به زودی به شکل یک کشور واحد کمونیستی در خواهد آمد. آمادگی جهان از نظر «تروتسکی» به حدی بود که وقتی «لنین» پست کمیساریای عالی امور خارجه را به وی پیشنهاد کرد، او با ناباوری تمام اعلام داشت «مگر جهانِ کمونیسم آینده، خارجه ای خواهد داشت که وزارت امور خارجه با کمیساریای عالی امور خارجه داشته باشد !»

9. فوکویاما (حاکمیت جهانی لیبرال دموکراسی)

اشاره

یکی از نظریه هایی که در این اواخر طرح می شود، نظریه حکومت جهانی لیبرالیسم است. برخی از متفکران غربی سعی کرده اند این فرضیه را اثبات کنند که جهانی شدن دموکراسی لیبرال امری حتمی است؛ لذا تشکیل یک حکومت واحد جهانی، بهترین دستاورد بشر خواهد بود. حکومت واحد در جهان، کمالی است که در فضای آرام و بدون اضطراب آن، وجود واقعی و طبیعت فطری بشر، به شکل حقیقی و جدی پدیدار می شود. از سوی دیگر این هدف با توجه به امکاناتی که در اختیار عناصر اصلی در جهان لیبرالیسم قرار دارد، کاملا عملی است. از این رو رهبران دنیا، مردم و ملت پیرو آنان باید بدانند که هرگونه مقاومت در مقابل این جریان عظیم تاریخی،

مبارزه ای است که با شکستی سخت پایان خواهد یافت. از مهم ترین نظریات در این خصوص نظریه «پایان تاریخ» است.

«فرانسیس فوکویاما» متفکر ژاپنی الاصل آمریکایی، در اواخر قرن بیستم سروصدای زیادی را با نوشتن مقاله «پایان تاریخ» به وجود آورد. شکل پایانی حکومت جامعه های بشری در باور «فوکویاما» حکومت «دموکراسی لیبرال» است. از نظرگاه «فوکویاما» دموکراسی لیبرال تنها آرمان سیاسی است که منطقه های قومی و فرهنگ های ملی گوناگون در سراسر دنیا را به هم پیوند می دهد. (1)

دور جدید سرکردگی ایالات متحده، توسط فوکویاما و نظریات او پی ریزی شد؛ زیرا هر چند فرصت جدیدی برای اعتماد به نفس آمریکاییان با از بین رفتن اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمده بود؛ اما در ایالات متحده بدبینی خاصی بر مباحث سیاسی حاکم بود که نظریه ی «فوکویاما»، این بدبینی و چالش را تغییر داد. تز فوکویاما این بود که «پایان تاریخ» پیش روی ماست. آن چه شاهد هستیم تنها پایان جنگ سرد یا گذر از دوره ویژه ای از تاریخ پس از جنگ

1- رک: غنی نژاد، موسی، پایان تاریخ و آخرین انسان، (ماهنامه اطلاعات سیاسی _ اقتصادی)، شماره 64-63، صص 28-22.

نیست؛ بلکه پایان تاریخ نیز هست. یعنی نقطه پایان تطور ایدئولوژیک بشریت و جهانی شدن دموکراسی لیبرال غربی به مثابه شکل نهایی دولت بشری.(1) برا ساس این نظریه در آینده جهان و بشریت با پذیرفتن حکومت لیبرال دموکراسی شکل واحدی پیدا خواهد کرد. وی معتقد است تکامل نظام دموکراسی لیبرال موجب برتری تاریخی آن و پیروزی قدرت نظامی و اقتصادی آن است و این نظام و حکومت تکامل یافته ای است که جبر تاریخی، آن را الگوی مطلوب همه انسان ها کرده است.

«فوکویاما» باوردارد که شکست سوسیالیسم و پایان جنگ سرد نقطه تحول ایدئولوژیکی بشری و جهانی شدن دموکراسی غربی، به عنوان شکل نهایی حکومت است.میل دستیابی به جامعه مصرفی در درازمدت، منجر به لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی گردیده و تصوّر می شود سیستم غربی، به طور پایان ناپذیری قابل گسترش است. بنا به نظر «فوکویاما»، لیبرال دموکراسی به لحاظ ایدئولوژی و ماندگاری قواعد آن در تاریخ و قدرت مبارزه با رقبا، تنها راه رستگاری بشر و نجات جهان است.

1- ندروین، فو ک ویاما و دمو ک راسی لیبرال پایان تاریخ، (ترجمه پرویز صداقت، ماهنامه اطلاعات سیاسی _ اقتصادی)، شماره 80-79، ص.

وی همانند هگل و مارکس معتقد است:

تحوّل جوامع انسانی بی پایان نیست؛ بلکه این تحول بالاخره پایان می پذیرد. پایان تاریخ زمانی است که انسان به شکلی از جامعه انسانی دست یابد که در آن عمیق ترین و اساسی ترین نیازهای بشری برآورده شود. فوکویاما «دموکراسی لیبرال»را شکل نهایی جوامع بشری و پایان تاریخ تلقی می کند؛ اما بر این نکته انگشت می گذارد که این سخن، به آن معنا نیست که سیر طبیعی زاد و ولد و مرگ و میر متوقّف خواهد شد، یا دیگر وقایع مهمی اتفاق نخواهد افتاد؛ بلکه منظور این است که احتمالاً دیگر تحوّل مهمّی در نهادهای اساسی و اصول جاری، پدیدار نخواهد شد.(1)

می توان آرا و اندیشه های این نظریه پرداز غربی را طی مباحث ذیل بیان کرد:

9-1. حرکت تاریخ

از نظر فوکویاما، از همان ابتدای تدوین تاریخ های عمومی، گسترش آزادی به عنوان موتور اصلی تاریخ به حساب آمده است.

1- غنی نژاد، موسی، پایان تاریخ و آخرین انسان، (اطلاعات سیاسی – اقتصادی، شماره 63و64)، ص22و23.

تاریخ یک سری اتفاقات کور و بی اساس و پایه نیست؛ بلکه یک مجموعه معنا دار است که اندیشه های انسانی، در موارد گوناگون _ از جمله نظم سیاسی و اجتماعی _ در آن شکل گرفته، توسعه یافته و شکوفا می شود. اکنون به جایی رسیده ایم که نمی توانیم دنیای ذاتاً متفاوت و گوناگون از جهان کنونی را تصور کنیم؛ به طوری که هیچ شاخصی امکان بهبود بنیادی نظم جاری را نشان نمی دهد؛ لذا باید این امکان را در نظر بگیریم که تاریخ ممکن است به پایان رسیده باشد. او می گوید:

من تاریخ را به معنای هگلی _ مارکسی اش؛ یعنی، به معنای رشد تکاملی نهادهای سیاسی و اقتصادی بشری به کار گرفته ام.

در پرتو این گونه فهم، دو عنصر اساسی برای حرکت تاریخ وجود دارد:

یکم: فن آوری و تداوم اکتشافات علمی که راه را برای نوسازی اقتصادی هموار می سازد.

دوم: مبارزه برای مشروعیت یافتن و به رسمیت شناخته شدن از سوی نیروهای موجود در جامعه که در پایان به ایجاد روالی سیاسی برای به رسمیت شناختن حقوق اساسی بشر می انجامد. برخلاف نظریه مارکس، من فرض گرفته ام که این روند تحول تاریخی، در

مورد دموکراسی و اقتصاد بازار به اوج خود رسیده است.(1)

فوکویاما خود اذعان دارد که توضیح مسیر تاریخ، از طریق میل انسان به برآوردن نیازها و امیال خود، در چهار چوب یک جریان دائمی پیشرفت علمی و فنی (منطق فیزیک مدرن)، نوعی تفسیر صرفاً اقتصادی است:

واضح است مکانیسمی که ما تحلیل کردیم، اساساً یک تفسیر اقتصادی تاریخ است... این مکانیسم نوعی تفسیر مارکسیستی تاریخ است که به نتیجه ای کاملاً غیر مارکسیستی می انجامد.(2)

این میل به تولید و مصرف بیشتر است که انسان را وادار به فعالیت شدید و قبول تغییر و تحول های جدی تر در هر روز می کند؛ اما بر خلاف تصور مارکس، جامعه ای که به انسان ها امکان می دهد بیشترین مقدار محصولات را به عادلانه ترین روش ممکن تولید کنند، جامعه کمونیستی نیست؛ بلکه جامعه کاپیتالیستی است !پس او همانند هگل و مارکس معتقد است: تحول جوامع انسانی بی پایان نیست؛ بلکه این تحول بالاخره پایان می پذیرد. پایان تاریخ زمانی

1- فرانسیس فوکویاما، ده سال پس از طرح فرضیه پایان تاریخ، پگاه حوزه، ش4، ص8.
2- غنی نژاد، پیشین، ص23.

است که انسان به شکلی از جامعه انسانی دست یابد که در آن عمیق ترین و اساسی ترین نیازهای بشری، یعنی دموکراسی لیبرال برآورده شود.(1)

بنا بر آنچه که فوکویاما باور دارد، هر چند راه های متفاوتی وجود دارد که به پایان تاریخ منتهی شود؛ اما تنها مدل موفق در این خصوص، مدل «سرمایه داری دموکراسی لیبرال» است. (2)

2-9. تئوری پایان تاریخ

تئوری پایان تاریخ به طور مشخص یعنی پایان کار تمام فرضیه ها و نظریه های بدیل که در عرصه سیاست و حکومت برای فرجام تاریخ گفته و نوشته شده است. پیش زمینه هایی را می توان نام برد که در شکل گیری و تقویت این تئوری، نقش به سزایی داشته اند. روشن ترین دگرگونی و تحول در اواخر قرن بیستم، روشن شدن ضعف دیکتاتوری های مقتدر و مضمحل شدن بسیاری از قدرت های بزرگ است. هر چند بعد از فروپاشی و از بین رفتن بسیاری از حکومت ها جای آنها را حکومتی با زیربنای لیبرال دموکراسی نگرفت؛ اما همچنان این نظریه، آرزوی بزرگ و نظریه ای الهام بخش

1- کارگر، رحیم، آینده جهان، ص118
2- غنی نژاد، پیشین، ص24.

برای فرهنگ های مختلف جهان است. علاوه بر این بازار اقتصاد آزاد نیز قوت گرفته است و غیر از کشورهای توسعه یافته، کشورهای فقیر نیز بعد از جنگ جهانی دوم از موفقیت و سعادت مندی مادی برخوردار شده اند.

فوکویاما پس از بیان این مقدمات، نظریه خود را این گونه بیان می کند: علوم طبیعی جدید نقطه آغاز خوبی است؛ زیرا تنها فعالیت اجتماعی مهمی است که حتی اگر تأثیر نهایی آن بر خوشبختی بشر نامعلوم باشد باز همگان به اتفاق، آن را فرایندی هم تجمّعی _ تراکمی و هم جهت دار می دانند.تسخیر پیش رونده طبیعت _ که به واسطه تکوین روش علمی در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی امکان پذیر شده _ هماهنگ با قواعد قطعی و عینی که واضع آنها طبیعت و قوانین آن بوده، پیش رفته است.

علوم طبیعی جدید به دو دلیل بر تمام جوامعی که آن را تجربه کرده اند، تأثیری یکسان داشته است؛ نخست: تکنولوژی برای آن دسته از کشورهای دارای آن، برتری نظامی قاطعی فراهم کرده است. دوم علوم طبیعی جدید، افق یکسانی را در زمینه امکانات و تولید گشوده است. تکنولوژی، انباشت نامحدود ثروت را ایجاد کرده و بر این اساس، ارضای مجموعه دائماً فزاینده امیال بشری را ممکن می سازد. این فرآیند، همگن شدنِ فزاینده تمام جوامع بشری را _

قطع نظر از ریشه های تاریخ یا میراث های فرهنگی آنها _ تضمین می کند (کشورهای نوسازی شده شبیه هم می شوند). حال علوم طبیعی نو، هر چند ما را به آستانه سرزمین موعود دموکراسی لیبرال هدایت می کند؛ ولی به این سرزمین نمی رساند؛ چرا که هیچ دلیلِ اقتصادی لازمی وجود ندارد که پیشرفت در زمینه صنعتی شدن، به ضرورت موجد «آزادی سیاسی» باشد.

تفسیرهای اقتصادی تاریخ، کامل و رضایت بخش نیستند؛ از این رو به سوی هگل و تفسیر غیر مادی او از تاریخ _ که بر پایه پیکار برای «شناسایی» استوار است _ باز می گردیم. پس میل یا آرزوی شناخته شدن، می تواند حلقه گمشده میان اقتصاد لیبرال و سیاست لیبرال را _ که در تفسیر اقتصادی تاریخ، جایش خالی بود _ فراهم کند. با بالا رفتن سطح زندگی، شهر نشینی و تعلیم و تربیت و دستیابی کلّ جامعه به شرایطی کیفی بهتر، افراد به تدریج نه فقط طالب ثروت بیشتر؛ بلکه خواهان شناسایی شأن و مرتبه خویش می شوند. انسان به آزرم خویش نیز، اعتقادی مغرورانه و نشأت گرفته از قوه غضبیه دارد و همین اعتقاد وی را به طلب حکومت هایی دموکراتیک وا می دارد؛ حکومت هایی که با وی به مثابه فردی بالغ و نه کودک، رفتار کنند و خود مختاری اش را به عنوان فردی آزاد، مورد شناسایی قرار دهند. کمونسیم در زمان ما، به این دلیل جای

خود را به دموکراسی لیبرال می دهد که انسان ها متوجه شده اند کمونیسم، تأمین کننده شکل بسیار ناقص و معیوبی از شناسایی است.این آرزوی شناسایی، به عنوان موتور محرک تاریخ است و به ما امکان می دهد تا بسیاری از پدیده هایی چون فرهنگ، کار و جنگ را از نو تفسیر کنیم.

گفتنی است: لیبرال دموکراسی به جای میل به شناخته شدن به عنوان موجودی برتر از دیگران، میل به شناخته شدن به عنوان موجودی برابر با دیگران را قرار می دهد. پس جهانی متشکل از دموکراسی های لیبرال، انگیزه کمتری برای جنگ خواهند داشت (و تضادّها از بین خواهد رفت)؛ چرا که در چنین جهانی، تمام ملت ها در مقابل، مشروعیت یکدیگر را مورد شناسایی قرار می دهند.(1) وی با تأیید دیدگاه «الکساندر کوژو» (مفسّر بزرگ هگل) می نویسد: «کوژو» به تأکید اصرار داشت که تاریخ به فرجام خود رسیده است. ما این را جدّی می گیریم؛ زیرا مسأله اصلی سیاست در طول هزاران سال تاریخ بشر را می توان تلاش برای حلّ مسأله «شناسایی» دانست. شناسایی مسأله اصلی سیاست است. اگر حکومت قانونی

1- فوکویاما، فرانسیس، فرجام تاریخ و واپسین انسان، ترجمه علی رضا طیب، مجله سیاست خارجی، ش2و3، صص377-371.

امروز (دموکراسی لیبرال) به راستی دستور العملی یافته باشد که به وسیله آن افراد به ترتیبی مورد شناسایی قرار گیرند که در عین حال از ظهور جبّاران اجتناب شود؛ در این صورت به راستی و به ویژه می تواند در میان رژیم هایی که تاکنون بر پهنه زمین ظهور کرده اند، مدعی داشتن ثبات و دوام باشد. در نتیجه وی دموکراسی لیبرال را به عنوان پایان تاریخ به شرح زیر توصیف می کند:

1. نقطه پایان ایدئولوژیک بشر؛

2. آخرین شکل حکومت بشری؛

3. فارغ از تضادهای درونی و بنیادی؛

4. متکی بر دو اصل آزادی و برابری.(1)

3-9. حکومت پایانی

بیشتر مواقع فرض بر این است که در این دوران فقط یک نوع از حکومت است که مشرعیت دارد و آن حکومت لیبرال دموکراسی است. حکومت ها و یا نظریه های تأثیرگذار در شکل گیری حکومت، وقتی مورد پذیرش است که در راه رسیدن به لیبرال دموکراسی باشند؛ یا به طور اجتناب ناپذیری شباهت هایی به نهادهای لیبرال دموکراتیک پیدا کنند. بنا بر نظر فوکویاما _ که به شکل اغراق

1- فوکویاما، فرانسیس، فرجام تاریخ و واپسین انسان، ترجمه علی رضا طیب، مجله سیاست خارجی، ش2و3، ص389.

آمیزی هم مطرح شده است _ لیبرال دموکراسی «شکل نهایی حکومت بشری» است. وی ده سال پس از ارائه فرضیه خود می افزاید:

تمام آنچه من فرض گرفته ام، وجود منطقی تکاملی است که تاریخ انسانی از آن پیروی می کند و بر اساس آن، کشورهای پیشرفته تر، به اقتصاد بازار محور و نظام سیاسی لیبرال دموکراسی روی می آورند. بنابراین وجود حادثه یا دولت هایی اندک مانند صربستان و ایران که خارج از این روند قرار دارند استثنا است و به اصل فرضیه زیان نمی رساند.(1)

به گمان وی، امروزه تقریباً تمام کشورهای پیشرفته صنعتی، نظام و نهادهای دموکراسی لیبرال را پذیرفته اند یا در آستانه پذیرش آن قرار دارند و کشورهای سیاسی نیز به اقتصاد آزاد روی آورده و به آن پیوسته اند! کلّ اعتقاد به اینکه حرکت اجتماع توسط نهادهای بزرگ متمرکز در سایه یک ایدئولوژی فراگیری هدایت می شود، به پایان خط رسیده است. برای ساختارهای مبتنی بر بازار آزاد اقتصادی و دولت لیبرال دموکراتیک نیز، هیچ جایگزین تاریخی وجود ندارد و

1- فرانسیس فوکویاما، ده سال پس از طرح فرضیه، پایان تاریخ، پگاه حوزه، ش4، ص8.

کشورهای پیشرفته _ جز سرمایه داری دموکراتیک جهانی _ فاقد هر گونه الگوی اقتصادی و سیاسی جایگزین می باشند.(1)

او می افزاید: امروز بشر فاقد جایگزین های تاریخی دیگر است. رتبه بندی های مصنوعی مبنی بر ساختار های سیاسی چون: دولت های مطلقه، توتالیتر و دموکراسی ها بر پایه بازار آزاد وجود ندارد و همه برای رسیدن به نوعی از نظام دموکراسی بر پایه بازار آزاد تلاش می کنند. البته او جهانی شدن لیبرال دموکراسی را با آمریکایی شدن یکی می گیرد و گویا می خواهد بقبولاند که با مرگ خدا (!) و سقوط کمونیسم، مطلقی جز ایالات متحده در دهکده جهانی وجود ندارد:

به نظر من جهانی شدن، همان آمریکایی شدن است، چرا که آمریکا از برخی جهات پیشرفته ترین کشور سرمایه داری در جهان امروز است و همین طور نهادهای آن، نمایانگر پیشرفت و توسعه منطقی نیروهای بازار است... قطعاً آمریکایی شدن با جهانی شدن یکی است.(2)

1- امیری، مجتبی، پایان تاریخ و بحران اعتماد، بازشناسی اندیشه های تازه فو ک ویاما، اطلاعات سیاسی _ اقتصادی، شماره 97و98، ص12.
2- کارگر، رحیم، جهانی شدن و حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فصلنامه انتظار، ش6، ص160.

با توجه به آنچه درباره دیدگاه فوکویاما آمد، می توان از نظریه «پایان تاریخ» او، چنین نتیجه گرفت:

1. عقلانیت لیبرال همان کمال معنوی روح بشر است؛

2. عقلانیت لیبرال دموکراسی سراسر جهان را گرفته است؛

3. اساسی ترین وظیفه سیاستمداران حفظ و حراست از این عقلانیت است؛

4. رهبران اصلی دنیا باید سیاستمداران غربی به ویژه آمریکاییان باشند، چرا که اساسی ترین نقش را برای براندازی کمونیسم، اینان داشته اند. (1)

نقد و بررسی آرا و اندیشه ها

اشاره

آنچه در انظار و تئوری های مطرح شده از طرف دانشمندان و نظریه پردازان گوناگون روشن است اینکه بیشتر این متفکران، سیاستمداران و مکاتب گوناگون دارای درد مشترکی هستند. کلام و نوشته بیشتر آنها نشان می دهد که آنها از اختلاف، جنگ و نزاع حکومت ها بر سر منافع نگران هستند و تنها راه نجات جهان از بی عدالتی، ناامنی، فقر و مشکلات فراوان دیگر را، تشکیل یک حکومت واحد برای تمام جهان می دانند. بر اساس تمام نظریات ذکر

1- کارگر، رحیم، آینده جهان، ص123.

شده روشن است که، آنان به این نتیجه رسیده اند که به جهت نبودن یک حکومت واحد، بشر تاکنون روی آسایش را ندیده است. به همین خاطر بر این عقیده اند که حل مشکلات امنیتی، اقتصادی و اخلاقی بشریت _ که در طول تاریخ انسان را آزار داده است _ راهی جز تشکیل یک حکومت واحد جهانی ندارد و این امری روشن در نگاه تمام متفکران و سیاستمداران جهان است؛ اما تمام این نظریه ها دارای اشکالاتی هستند و هریک به نوعی فقط به بخشی از مشکلات پرداخته اند و یا اینکه صرفا طرح موضوع کرده و بدون نظریه پردازی جامع از کنار موضوع گذشته اند. برخی هم یک جانبه به قاضی رفته و صرفا نظر خویش را بهترین راه نجات بشر دانسته اند، بدون اینکه نیازمندی های این مهم را مطرح و راه کار لازم را ارائه کرده باشند. در ذیل به برخی آسیب ها و اشکالات نظریه های مطرح شده، می پردازیم. البته به نظریه «فوکویاما» به دلیل اینکه از اهمیت زیادی در نزد صاحب نظران غربی برخوردار است، بیشتر پرداخته می شود.

الف. جبرگرایی: یکی از مشکلات جدی برخی از این نظریه ها جبرگرایی آنها است؛ یعنی بر این باورند که در آینده، جهان و تاریخ به طورحتمی و جبری، به آن سمت و سویی که آنان می گویند، پیش می رود و انسان ها دست بسته، همراه آن حرکت می کنند. به

عنوان مثال برخی که برای جهان فرجامی جز نابودی نمی دانند، هر گونه برنامه ریزی و آینده نگری را برای سعادت بشر بیهوده دانسته و جبراً پایان جهان را محکوم به فنا و نابودی می دانند.

ب. عدم نظریه پردازی: برخی صرفا به طرح موضوع اکتفا کرده و بدون هیچ اشاره ای از کنار موضوع عبور کرده اند. عمده توجه برخی دانشمندان معاصر (مثل فوکویاما) به اقتصاد سیاسی و نظام سرمایه داری است. وظایف و نقش حکومت در مبارزات و جریان های مختلف از اهمیت برخوردار است نه خود حکومت.

ج. عدم ارائه یک برنامه جامع و کامل: برخی فاقد یک برنامه جامع و کامل برای اداره جهان هستند و نگاه محدود و تک بعدی به آن دارند. در واقع کمتر می توان در افکار این دانشمندان، به نظریه ای جامع و کامل دست یافت که هم به بعد مادی زندگی انسان توجه کند و هم به بعد معنوی و روحی؛ هم دنیای او را آباد کند و هم آخرت او را.

د. مادی نگری: یکی از مهم ترین نقدها بر دیدگاه های گوناگون، بی بهره بودن بیشتر این نظریات از معنویت، اخلاق، عقلانیت و رویکرد الهی است. بیشتر این دیدگاه ها طرفدار اباحه گری لجام گسیخته و بی پروایی و بی حد و مرزی در امور دنیوی و آزادی های بی نهایت و خارج از دایره فطرت بشری هستند.

ه . نپرداختن به نیازهای واقعی: یکی دیگر از نکات فراموش شده در برخی از این دیدگاه ها؛ نیاز واقعی و فطری انسان ها است که در جامعه آرمانی ساخته شده بر اساس نظر آنها، ارضا نخواهد شد. مشکلات و کاستی های مردم و جوامع، تنها مشکلات مادّی، اقتصادی و بی عدالتی نیستند؛ بلکه انسان ها از کمبود اخلاق، فهم، اندیشه و همدلی رنج می برند که در آرمان شهر های ساخته شده توسط این گونه نظریه پردازان، نشانی از آنها به چشم نمی خورد.

نقد نظریه فوکویاما

1. نکته قابل توجه در نقد این نظریه هم سویی این تز با دیدگاه جنگ تمدن های ساموئل «هانتینگتون» است. با دقت در این نظریه می توان به این باور رسید که سیاست بازان و طراحان غربی به منظور تحقق اندیشه جهانی سازی و به بیان رساتر و منطبق تر بر اهداف آنان، درصدد امریکایی کردن جهان با طرح تئوری پایان تاریخ فوکویاما هستند و با تطبیق عملیاتی این نظریه با دیدگاه جنگ تمدن ها تلاش نموده اند تا یک تئوری نظری را با یک دیدگاه راهبردی گره زده و به اهداف خویش در سلطه یافتن به منابع مادی و معنوی مردم جهان دست یابند. امروزه نمونه این واقعیت تلخ، ناگوار و شکننده برای جامعه انسانی را می توان در لشکر کشی دولت مردان آمریکا به افغانستان وعراق و فشار روز افزون به

کشور های مستقل مانند ایران، لبنان، سوریه، کره شمالی مشاهده کرد. اما طراحان غربی این نظریه ها، غافل از این حقیقت اند که ملت های دارای باورهای دینی و صاحب فرهنگ وتمدن کهن هرگز در برابر سلطه گری و یک سونگری اقتدار گرایانه دولت امریکا تن به ذلت نخواهند داد و در برابر هجمه های فکری و تجاوزهای آنان به منابع و منافع ملی خویش واکنشی تهاجمی نشان خواهند داد.

2. نظریه پایان تاریخ بر اساس اصول مکتوب لیبرالیسم استوار است.پس نقد نظریه یاد شده به نقد اصول لیبرالیسم باز می گردد. گرچه بررسی و ارزیابی تک تک این اصول از حوصله این نوشته بیرون است؛ اما عمده ترین انتقاد بر اصول این مکتب ناسازگاری آنها با اصول حقیقی و بنیادین موافق با سیرت آدمی و گرایش فطری او به اموری چون معنویت، عدالت، کرامت و پایبندی به ارزشها و رفتارهای اخلاقی است و لیبرالیسم به دلیل فقدان یا ناسازگاری اصولش با این دسته از امور در عرصه جهانی با چالش جدی مواجه است(1).

3. آغاز طرح تز پایان تاریخ از ناحیه فوکویاما هم زمان با افول

1- ر.ک: حسینی، دهشیار، جهانی شدن ت ک امل فرآیند برون بری ارزش ها و نهادها، فصلنامه نگاه حوزه، شماه 99-98.

مکتب مارکسیسم در جهان بوده است و دقیقا تصور نادرست نظریه پرداز از اینجا ناشی گردیده که شکست یک مکتب مبتنی بر اصول مادی گرایانه و به دور از فطرت و سرشت حقیقت جو و کمال یاب نهادینه در آدمیان، به معنای پیروزی برای مکتب لیبرالیسم تلقی شده است. به نظر می رسد نظریه پرداز پایان تاریخ، از این واقعیت روشن غافل بوده، که شکست و ناکامی مارکسیسم به عوامل متعددی بستگی داشته است. از جمله مهم ترین و اساسی ترین آنها نگرش مادی گرایانه به انسان وجهان وجایگزینی این تفکر نادرست به جای سرشت خداجویانه بشری بوده است. هر دو مکتب با دو نگرش مختلف کوشیده اند تا انسان وجهان را با این اصل تعریف کنند. حال آنکه سنت تخلّف ناپذیر الهی، همواره بر این اصل بنیادی بوده، که انسان در مسیر فطرت خویش، قرارگیرد و از آفت ها و آسیب های پیش روی با هدایت پیامبران و آموزه های وحیانی کتاب آسمانی و به دنبال آن مجاهدت عالمان و مصلحان، مصون بماند و راه تکامل را به سوی خوشبختی دردنیا ورستگاری در آخرت، بپیماید.

4. ناتوانی درک این مطلب که لیبرالیسم صرفا شکلی از اشکال نوگرایی است و در ظاهر بر دیگران پیروز شده است حال آنکه نوگرایی رفته رفته جای خود را به شکل دیگری از جهان بینی

می دهد که به فرانوگرایی معروف است.

5. تفسیر های یکسان انگار در بسط نگرش لیبرالیسم نوین، از این نکته غافل اند که علت سقوط مارکسیسم، آن بود که طرفداران آن کوشیدند تا یک هویت عام اسطوره ای (انسانیت عام وکلی عاری از ارزش ها و میراث های اخلاقی و فرهنگی) را در جهان محقق سازند. آن غفلت امروز نصیب لیبرالیسم نوین شده است که می کوشد فردیت فلسفی را مدلی از انسانیت عام و جهان شمول معرفی کند(1)!

6. یکی از مهم ترین نقدهای این دیدگاه، نداشتن روح معنویت، اخلاق، عدالت و عقلانیت است.این نوع نگاه به انسان و جهان اطراف او، به دلیل عدم سازگاری با فطرت بشری و داشتن قوانین مخالف طبیعت و فطرت انسانی، سرانجامی جز خودشکنی و خودکشی ندارند و پایان کار آنها نابودی است.

1- کارگر، رحیم، آینده جهان، ص123.

ص:70

بخش دوم: جهان آینده در دیدگاه ادیان

اشاره

ص:71

ص:72

مساله ایجاد یک حکومت واحد در جهان و پایان یافتن همه ستم ها و بیدادگری ها، از مسائل مهم و اساسی است که همه ادیان جهان به آن توجّه کرده و از وقوع حتمی آن خبر داده اند. براساس آنچه در آموزه ها و نویدهای کتاب های آسمانی آمده و به رغم بدبینی ای که تا به حال نسبت به آینده بشر در گستره تاریخ دیده شده است؛ وضعیت کنونی جهان دوام نخواهد داشت. چرخ گردون، روزگاری به نفع مظلومان و صالحان به حرکت درخواهد آمد و فسادهای اجتماعی، ناامنی، شرارت ها، و درگیری های کنونی، جای خود را به آرامش، امنیت، عدالت و مهربانی خواهد سپرد. بر اساس بشارت و نویدهای پیامبران و کتاب های آسمانی، دورنمای جهان و چشم انداز آینده بشریت، روشن و اطمینان آور خواهد بود. با یک نظر و گذر اجمالی و کوتاه به کتاب های آسمانی، به روشنی درخواهیم یافت که وقتی جهان لبریز از فتنه و آشوب گردد و آتش ظلم و

بیدادگری همه جوامع بشری را فراگیرد؛ جنگ ها و ستیزه جویی ها، مردم جهان را خسته و گرفتار کند و حاکمان و پادشاهان و دولت مردان در اداره امور کشورها عاجز و ناتوان گشته وچاره ای برای حل مشکلات نیابند؛ در چنین وضعیت بحرانی و غیرقابل تحمّلی، مصلحی الهی با تکیه برقدرت و قانون الهی قیام خواهد کرد و با اصلاح وضعیت جهان، حکومت واحد عدل گستر خویش را با سرکوب حاکمان و قدرت طلبان در جهان مستقر خواهد نمود.

وقتی به ادیان آسمانی مراجعه می کنیم، کتب آسمانی را سرشار از امید و نویدهای پیروزی و وعده های ظهور آن «مصلح جهانی» می بینیم. شاید هم برای عده ای تعجب آور باشد که در همه ادیان و مذاهب مانند: یهود، مسیح، زرتشتی و آیین اسلام به دادرسی عادل اشاره شده که در پایان جهان ظهور خواهد کرد و با تشکیل حکومت واحد جهانی به همه محرومیت ها پایان خواهد داد و شالوده حکومت واحد در جهان را با عدالت و آزادی بنا خواهد گذاشت. شیرین تر، بهتر و تعجب آورتر برای عده ای اینکه بیشتر نویدهایی که در ادیان گذشته آمده، با آنچه در اسلام به ظهور آن بشارت داده شده است، مطابقت کاملی دارد و آنچه در ادیان و مذاهب آمده، به صورت جامع و کامل در آیین مبین اسلام ذکر شده است. در واقع اندیشه حکومت واحد جهانی منجی موعود، تنها در دین اسلام به صورت

کامل و جامع مطرح شده و سایر ادیان نتوانسته اند به طور دقیق به ابعاد و زوایای مختلف آن بپردازند و ویژگی ها و اوصاف این حکومت را بر شمرند. تکیه اصلی دیدگاه آنها، بیشتر بر روی ظهور منجی و اصلاح جهان و بهبود وضع زندگی بشر است؛ اما در اسلام _ به خصوص اندیشه شیعه _ ابعاد و اوصاف حکومت جهانی، به طور کامل تبیین شده و برخوردار از یک نظریه جامع برای مدیریت جهان و رفع کاستی ها و مشکلات است.

1. جهان گرایی از دیدگاه ادیان (غیر از اسلام)

اشاره

نوید مصلح بزرگ جهانی و تشکیل حکومت واحد در جهان بر مبنای عدل در کتاب های مقدس و مذهبی مانند: زند، جاماسب، شاکمونی، جوکا، دید براهمه، باباسک، پاتیکل، دادنگ، تورات، انجیل و سایر الواح و کتاب ها ذکر شده است.

هر چند غیر از قرآن کریم، همه کتاب های آسمانی تحریف شده اند؛ ولی باز هم عباراتی در آنها پیدا می شود که از تحریف درامان مانده و به ظهور «مصلح بزرگ» و تشکیل حکومت توسط وی در جهان اشاره دارد؛ در اینجا به بعضی از این بشارات اشاره می شود:

1_1. یهود و وراثت حکومت جهانی

تورات کتاب آسمانی دین یهود است. در این کتاب نویدها و بشارت های فراوانی در رابطه با آمدن مصلح جهانی، در آخرالزمان و تشکیل حکومت عدل گستر وی، در دنیا آمده است. امید بستن به جهانی روشن و نورانی _ که در آن بشر با امنیت و آرامش در سایه یک حکومت الهی و عادل زندگی کند _ از مهم ترین آموزه های این کتاب است. اهمیت این باور در این کتاب چنین آمده است:

... شریران منقطع می شوند، اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. و حال اندک است که شریر نیست می شود که هر چند مکانش را جستجو نمایی ناپیدا خواهد بود. اما متواضعان وارث زمین شده...، خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. در زمان «بلا» خجل نخواهد شد، و در ایام قحطی سیر خواهند بود. لکن شریران هلاک خواهند شد، و دشمنان خداوند، مثل پیه بره ها فانی بلکه مثل دود تلف خواهند شد. زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد. اما ملعونان وی منقطع خواهند شد. صدیقان وارث زمین شده، ابدا در آن ساکن خواهند شد. به خداوند پناه برده، راهش را نگاه دار که تو را به وراثت زمین بلندخواهند کرد و در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید. اما عاصیان عاقبت مستأصل، و

عاقبت منقطع خواهند شد.(1)

در جای دیگر در خصوص نوید و بشارت حکومت دادگستر _ که راستی و درستی در سایه آن بر جهان گسترش خواهد یافت _ چنین می فرماید:

در روزهایش صدیقان شکوفه خواهد نمود، و زیادتی سلامتی تا باقی ماندن ماه خواهد بود. از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصی زمین سلطنت خواهد نمود. صحرانشینان در حضورش ختم خواهند شد ودشمنانش خاک را خواهند بوسید. اسم او ابدا بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت، و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت. بلکه اسم ذوالجلال او ابدا مبارک باد، و تمامی زمین از جلالش پرشود. دعای داوود تمام شد.(2)

1_2. مسیحیت و سلطنت جهانی مسیح

اشاره

دین مسیحیت نیز همانند دین یهود، نگاهی امیدوارانه و همراه با انتظار به فرجام تاریخ و آینده بشریت دارد و چشم انتظار روز موعودی هستندکه نجات و رستگاری در آن روز، به دست «مسیح»

1- عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور 37، بندهای38-9.
2- عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور 36، بندهای20-8. .

برای ایشان به ارمغان آورده شود. هر چند نگاه و باور مسیحیان در طول تاریخ، به «نجات بخشی» دستخوش اختلافات و دگرگونی ها شده است؛ اما مطالب کتاب مقدس، به روشنی از نجات انسان ها در پایان تاریخ بحث کرده است و بر خلاف نابسامانی هایی که در طول تاریخ بشر تا به حال دیده شده است، آینده را برای بشر روشن و قابل افتخار می داند. مسیحیان نیز همچون یهودیان بر این باورند که تاریخ بشری بی هدف نبوده و با برنامه و نظمی خاص به سوی هدف و جهتی، مشخص حرکت می کند. تاریخ، هدف و سرانجامی دارد که پایان و فرجام آن، زیبا و همراه با امنیت و آرامش است. در نظر خوش بینانه مسیحیت به آینده، تاریخ به مثال خطی مستقیم در نظر گرفته می شود که آغاز و پایانی دارد. خداوند جهان و همه آنچه در آن است را به همراه انسان، آفریده است.

پس روزی خواهد رسید که خود، به این حرکت پایان خواهد داد و این پایان تاریخ و آخر زمان خواهد بود. نجات و رستگاری انسان ها به خصوص مؤمنان در گرو تحقق این وعده الهی خواهد بود، که در این صورت بشر در رفاه بوده و عدالت همه هستی را فراخواهد گرفت و ظلم و تاریکی یأس و نا امیدی از جهان برچیده خواهد شد. نویدهای انجیل در این باره عبارتند از:

1-2-1. اجتماع امت ها

اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آن گاه بر کرسی جلال خواهد نشست و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کند؛ به قسمی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند و میش ها را بر دست راست و بزها را چپ خود قرار دهد. آن گاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید، ای برکت یافتگان از پدر من! و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید...(1).

1-2-2. تحقق ملکوت الهی

... اما این تاریکی برای قوم خدا که در تنگی هستند، تا ابد باقی نخواهد ماند. خدا سرزمین قبایل زبولون و نفتالی را در گذشته خوار و ذلیل ساخته؛ اما در آینده او تمام این سرزمین را از دریای مدیترانه گرفته تا آن طرف اردن و حتی تا خود جلیل _ که بیگانگان در آن زندگی می کنند _ مورد احترام قرار خواهد داد. قومی که در تاریکی راه می رفتند، نور عظیمی خواهند دید. بر کسانی که در سرزمین ظلمت

1- کتاب مقدس، انجیل متی، ص44، باب 25، بندهای 31 تا 34.

زندگی می کردند، روشنایی خواهد تابید... تمام اسلحه ها و لباس های جنگی که به خون آغشته اند، خواهند سوخت و از بین خواهند رفت؛ زیرا فرزندی برای ما به دنیا آمده! پسری به ما بخشیده شده! بر ما سلطنت خواهد کرد. نام او عجیب، مشیر، خدای قدیر، پدر جاودانی و سرور سلامتی خواهد بود. او بر تخت پادشاهی داوود خواهد نشست و بر سرزمین او تا ابد سلطنت خواهد کرد. پایه حکومتش را بر عدل و انصاف استوار خواهد ساخت و گسترش فرمان روایی صلح پرور او را انتهایی نخواهد بود. خداوند قادر متعال چنین اراده فرموده و این را انجام خواهد داد.(1)

1-2-3. تحقق صلح الهی در جهان

مسیح فرزند داوود است. او با خرد و عدل حکومت خواهد کرد. قدرت های بزرگ جهان را شکست خواهد داد، مردم خود را از قید حکومت بیگانه رها خواهد ساخت و سلطنتی جهانی وضع خواهد کرد که در آن مردم در صلح و سعادت زندگی خواهند کرد.(2)

1- اشعیا، بند 9و10.
2- ر. ک: مزامیر سلیمان : باب 17و18؛ مکابیان: کتاب اول، باب 14، بند3.

4-2-1. تحقق سلطنت الهی

سلطنت پادشاه ما همچون بارانی که بر گیاهان می بارد و مانند بارش هایی که زمین را سیراب می کند، پر برکت خواهد بود. در زمان حکومت او، مردم خدا شناس کامیاب خواهند شد و تا وقتی که کاه باقی باشد، صلح و سلامتی بر قرار خواهد بود....(1)

البته دیدگاه مسیحیان درباره تحقق حکومت جهانی روشن نیست؛ برخی (مثل هزاره گرایان)قائل به سلطنت هزارساله مسیح در روی زمین هستند و این را از مکاشفات یوحنا برگرفته اند.عموم مسیحیان (مثل کلیسای کاتولیک) به حکومت جهانی مسیح اعتقادی نداشته و سلطنت او را، مربوط به جهان آخرت می دانند؛ یعنی، ملکوت الهی موعود، در آن دنیا برپا خواهد شد.در عین حال به داوری مسیح بین نیکان و بدان در این دنیا معتقدند.(2)

1- مزامیر سلیمان : باب های 17و18.
2- رک: کارگر، رحیم، آینده جهان، صص105-113.

2. جهان گرایی و ویژگی های آن در اندیشه اسلام

2-1. آیین اسلام و جهان شمولی آن

اشاره

جهانی بودن دین اسلام و اینکه این دین اختصاص به گروه، فرقه، منطقه یا جامعه خاصی ندارد، یکی از امتیازات مهم این آیین الهی است. این نکته که دعوت اسلام همگانی است و محدود به منطقه جغرافیایی یا اندیشه سیاسی خاصی نیست؛ حتی بر کسانی هم که ایمان به این دین ندارند، مخفی نمانده است. ارسال پیک و نامه برای سران کشورهای مختلف مانند قیصر روم، پادشاه ایران، فرمانروای حبشه و مصر از سوی پیامبر اسلام(1) شاهد تاریخی بر این مطلب است. اگر دین اسلام اندیشه جهانی نداشت و جهانی فکر نمی کرد، دلیلی برای چنین دعوتی از سایر امت ها و اقوام گوناگون وجود نداشت. لذا نمی توان عده ای را از عمل به دستورات این دین معاف دانست.

در قرآن کریم و روایات نبوی، دلایل فراوانی بر جهانی بودن دعوت اسلام و رهبری جهان توسط آن، تا زمانی که زندگی در هستی وجود دارد، آمده است. از جمله آیات روشن در این رابطه عبارت است از:

1- برای مطالعه نامه های پیامبر اکرم(ص) ر. ک: سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ص721-629.

الف. {هُوَالَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّهِ وَ کفی بِاللَّهِ شَهیداً}؛(1) «او کسی است که پیامبر خود را با راهنمایی و دین راست فرستاد، تا مگر آن را بر هر چه دین است، چیرگی بخشد».

ب. در رابطه با رحمت فراگیر نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله آمده است:

{وَ ما أَرْسَلْناک إِلاَّ رَحْمَه لِلْعالَمینَ}؛(2) «و نفرستادیم تو را مگر رحمتی برای جهانیان».

ج. در آیه ای دیگر دعوت پیامبر فراگیر و همگانی توصیف شده و فرموده اند:

{قُلْ یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکمْ جَمیعا}؛(3) «بگو: ای مردم من فرستاده خدا به سوی شما هستم».

د. دین اسلام با رسمیت یافتن اصل توحید و توجه به نقاط مشترک و اصلی ادیان _ که همان نفی شرک و اعتقاد به وحدانیت است _ خود را برای تمام جهان معرفی کرده است. بر همین اساس یکی از انگاره های بیان شده در قرآن کریم، دعوت به زندگی

1- فتح (48)، آیه ی 28.
2- انبیاء (21)، آیه ی 107.
3- اعراف، (7)، آیه ی 158.

مسالمت آمیز در کنار هم است:

{یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کافَّه ی وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکمْ عَدُوٌّ مُبینٌ}؛ (1) «ای کسانی که ایمان آوردید! همگی در صلح و آشتی در آیید و از گام های شیطان پیروی نکنید».

زندگی در کنار هم در صلح و آرامش با عقیده و بینش های متفاوت نیز در قرآن به روشنی آمده است.

ه. {قُلْ یا أَهْلَ الْکتابِ تَعالَوْا إِلی کلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللَّهَ وَ لا نُشْرِک بِهِ شَیْئاً وَ لا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ}؛(2) «بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خدای یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرد. هر گاه [از این دعوت] سرباز زنند، بگویید: گواه باشیدکه ما مسلمانیم».

و. {هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَدینِ الْحَقّ

1- بقره، (2)، آیه ی 08.
2- آل عمران(3)، آیه ی64.

لِيظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كلِّهِ وَلَوْكرِهَ الْمُشْرِكونَ}؛(1) «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد، تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

آیه یادشده، با همین الفاظ در سوره «صف» آمده و با تفاوت مختصری درسوره «فتح» تکرار شده است و از رویدادی مهم خبر می دهد. اهمیّت مذکور، موجب تکرار آن شده است و از جهانی شدن اسلام و فراگیری این آیین، بر روی زمین خبر می دهد.

شکی نیست در حال حاضر، استقرار حکومت جهانی تحقق نیافته است؛ ولی این وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است. طبق روایات، استقرار این نظام، هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند و برنامه جهان شمولی اسلام را تحقق بخشد.

شیخ صدوق، از امام صادق علیه السلام، در تفسیر این آیه نقل می کند:

به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد، تا آنکه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کند. وقتی او ظهور کرد، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی نمی ماند؛ مگر اینکه از خروج آن حضرت ناراحت می شود. حتی اگر کافری در دل سنگی پنهان شود، آن سنگ می گوید:ای مؤمن! در دل من کافری پنهان

1- توبه (9)، آیه ی33.

شده است، مرا بشکن و او را بیرون بیاور و به قتل برسان.(1)

در تفسیرقمی آمده است: این آیه درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و اینکه درباره آن حضرت نازل شده، بدین معنا است که خروج او تأویل این آیه است. از روایت شیخ صدوق هم این مطلب برداشت می شود.

چنان که گذشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به سران کشورها مانند قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به رؤسای قبایل گوناگون عرب نامه نوشت و همگان را به پذیرفتن این دین مقدس دعوت کرد و از پیامدهای وخیم کفر و روی گردانی از اسلام، برحذر داشت. اگر دین اسلام جهانی نبود، چنین دعوت عمومی انجام نمی گرفت و دیگر اقوام و امت ها هم برای عدم پذیرش اسلام، عذری داشتند.(2)

شمولیت دین اسلام، در قرآن کریم با الفاظی همچون «عالمین»، «ناس»، «کافه» و «جمیعاً» آمده است و با توجه به وسعت معنا و مفهوم کلمات ذکر شده، جهان شمولی اسلام و فراگیر بودن دعوت این دین مبین، بر همگان روشن بوده و نیازی به توضیح

1- کمال الدین و تمام النعمه، ج2، ص670.
2- مصباح یزدی, محمد تقی، آموزش عقاید، ج2، ص116.

و تفسیر ندارد. چندین مؤلفه مهم در جهان شمولی اسلام وجود دارد:

2_1_1. جاودانگی

با بررسی منابع اسلامی، روشن می شود که «اسلام» تنها دینی است که در طول دوره های تاریخی برای بشر بوده و همه انبیای الهی، شریعت خود را با نام اسلام به مردم ارائه کرده اند. اوج کمال بشریت، در ظرفیت ها و قابلیت های پذیرش شریعت الهی در زمان نبی مکرم اسلام بوده که دین و آیین الهی به صورت کامل در راستای هدایت بشر تا دامنه قیامت ابلاغ شده است. بنابراین ریشه همه ادیان الهی یکی است و تمامی پیامبران از _ حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم _ مردم را به پرستش خدای یکتا دعوت کرده اند. البته شرایط، و توانایی های فردی و اجتماعی و مردم، در میزان دستورات ابلاغ شده متفاوت بوده است. هر زمان مردم به اندازه عقول و درکشان با مبانی هدایتی شریعت ها و ادیان آشنا شده اند، تا زمان نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که بشر به حدی از بلوغ رسید که همه آنچه برای هدایت نیاز داشت، در قالب دین مبین اسلام دریافت کرد. از این رو شریعت مورد رضای خداوند و دین کامل، پویا و ابدی _ که برای هدایت بشر تا روز قیامت برنامه دارد _ فقط اسلام است. با این دین برای همیشه مُهر پایان بر ارسال پیامبران و نزول کتب آسمانی زده

شد. لذا فرمود: {لا رَطْبٍ وَ لا یابِسٍ إِلاَّ فی کتابٍ مُبینٍ} (1).

بر اساس این آیه هیچ چیزی نمانده که بشر به آن نیازمند باشد و در قرآن کریم _ که برنامه هدایت بشر تا دامنه قیامت است _ نیامده باشد.

در این رابطه به ذکر چند آیه از قرآن کریم می پردازیم:

الف. {اِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللَّهِ الاِسْلامُ}؛(2)«در حقیقت، دین نزد خداوند عزوجلّ همان اسلام است.»

علامه طباطبایی رحمه الله در معنای این آیه می نویسد:

دین نزد خدای سبحان یکی است و اختلافی در آن نیست و بندگان خود را امر نکرده، مگر به پیروی از همان دین و بر انبیای خود هیچ کتابی نازل ننموده، مگر درباره همان دین، و هیچ آیت و معجزه ای به پا نکرده، مگر برای همان دین که آن دین عبارت است از اسلام، یعنی تسلیم حق شدن، و به عقیده های حق معتقد گشتن، و اعمال حق انجام دادن(3).

1- انعام(5)، آیه 59.
2- آل عمران (3)، آیه 19.
3- طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، ج3، ص188.

به عبارتی دیگر:

آن دین واحد عبارت است از تسلیم شدن در برابر بیانی که از مقام ربوبی در مورد عقاید و اعمال و یا در مورد معارف و احکام صادر می شود.(1)

وی در تبیین معنای مورد نظر می نویسد:

هر چند به طوری که در قرآن حکایت شده در شریعت های رسولان و انبیای او، از نظر مقدار و کیفیت مختلف است؛ لیکن در عین حال از نظر حقیقت چیزی به جز همان امر واحد نیست. اختلافی که در شریعت ها هست از نظر کمال و نقص است، نه اینکه اختلاف ذاتی و تضاد و تنافی اساسی بین آنها باشد. معنای جامعی که در همه آنها هست عبارت است از: تسلیم شدن به خدا در انجام شرایعش، و اطاعت او در آنچه که در هر عصری با زبان پیامبرش از بندگانش می خواهد(2).

این مفهوم در سوره حج به روشنی آمده است:

{مِلَّه أَبیکمْ إِبْراهیمَ هُوَ سَمَّاکمُ الْمُسْلِمین...}؛(3) «آیین پدرتان حضرت ابراهیم، او

1- طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، ج3، ص189.
2- طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، ج3، ص189.
3- طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، ج3، ص189.

بودکه قبلاً شما را مسلمان نامید».

در تفسیرنمونه نیز در باره این جمله، ضمن بیان نظرات گوناگون چنین آمده است: «نظر صحیح تر این است که ضمیر به خداوند متعال برمی گردد، یعنی، خدا هم در کتب پیشین و هم در قرآن شما (ملت ابراهیم) را به این نام (اسلام) افتخار آمیز آفریده است»(1). صاحب این تفسیر شریف دلیل استناد خود را این آیه می داند، که می فرماید: «او شما را در کتب پیشین و در این کتاب (قرآن) مسلمان نامید(2)»

ب. {وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ}؛(3) «با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم». این آیه شریفه از زبان بلقیس است که ایمان آوردن وی به آیین حضرت سلیمان را با کلمه اسلام بیان کرده است. علامه طباطبایی در این خصوص چنین می نویسد:

در این جمله «اسلمت» را نسبت به خدای تعالی به کار برد، التفات از خطاب و غیبت و وجه این التفات این است که خطاب از ایمان اجمالی به خدا در جمله {رَبِّ إِنِّی

1- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج14، ص183.
2- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج14، ص183.
3- نمل (27)، آیه 44.

ظَلَمْتُ نَفْسی }، به توحید صریح انتقال یابد؛ چون در جمله بعدی اسلام خود را بر طریقه اسلام سلیمان دانست که همان توحید صریح باشد...(1).

ج. {نَحْنُ أَنْصارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ اشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ }؛(2) «ما یاوران خداییم، به خدا ایمان آوردیم». این آیه _ چنانکه در تفسیر المیزان آمده _ به معنای ایمان آوردن حواریون حضرت عیسی علیه السلام می باشدکه تعبیر «به مسلمون» شده است. دراین تفسیر آمده است:

«... وقتی حضرت عیسی علیه السلام از حواریّون سوال کرد: کیست که مراد در پاسخش عین درخواست او را به زبان آورده و گفتند: «نَحْنُ أَنْصارُ اللَّهِ»؛ ماییم انصار خدا، و دنبال پاسخ جمله ای را گفتند که به منزله تفسیر آن است و آن این است که در «آمَنَّا بِاللَّهِ وَ اشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ «و منظورشان از اسلام، تسلیم خدا و رسول او شدن و اطاعت و پیروی کردن است»(3).

د. { ... لا نُفَرِّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْإِسْلامِ دیناً فَلَنْ یُقْبَلَ

1- المیزان، ج15، ص523.
2- آل عمران (3)، آیه52.
3- المیزان، ج15، ص519.

مِنْهُ وَ هُوَ فِی الْآخِرَه مِنَ الْخاسِرینَ }؛(1) «میان هیچ یک از آنان [پیامبران] فرق نمی گذاریم و ما برای او اسلام آورده ایم و هر که جز اسلام دینی دیگر جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است».

یعنی آیا غیر اسلام را می جویند با اینکه اسلام دین خداست؟ چون هر کسی که در آسمان ها و زمین است، تسلیم او و منقاد امر او است(2). بر اساس این آیات و آیات دیگری از قرآن کریم، دین همواره و همیشه نزد خداوند متعال اسلام است؛ هر چند شریعت های گوناگون با انبیای متفاوت به مردم ابلاغ شده است. دین اسلام به عنوان آخرین شریعت برای همیشه تا پایان تاریخ، عهده دار هدایت و سعادت بشر است و یگانه راه سعادت دنیوی و اخروی را بیان کرده است.

2_1_2. برنامه کامل زندگی

بی تردید انتخاب نزدیک ترین، بهترین و هموارترین راه برای رسیدن به هدف، نکته ای است که هر انسان خردمندی به آن توجه لازم را دارد. انتخاب کامل ترین شریعت برای رسیدن به هدف والای

1- آل عمران (3)، آیات 84 و 85.
2- المیزان، ج15، ص519.

انسانی (کمال) برازنده هر عقل سلیم و هر انسان دوراندیشی است. از آنجا که با گذر زمان و رشد استعدادها، دین روز به روز کامل تر شده است، برای انسان بهتر این است که کامل ترین دین را انتخاب کند. استاد شهید مطهری در این رابطه می فرماید:

«بشر در مسیر تکاملی خود مانند قافله ای ست که در راهی و به سوی مقصود معینی حرکت می کند؛ ولی راه را نمی داند هر چند یک بار، به کسی برخورد می کند که راه را می داند و با نشانی هایی که از او می گیرد ده ها کیلومتر راه را طی می کند... تا تدریجاً خود قابلیت بیشتری برای فراگیری پیدا می کند و می رسد به شخصی که نقشه کلی راه را از او می گیرد و برای همیشه با در دست داشتن آن نقشه از راهنمایی جدید بی نیاز می گردد.(1)

روش و برنامه اجتماع عقلا و عقل بر این است که به قانون و حکمی که در آخرین مرحله از کمال است، عمل کنند. و از آنجا که بر اساس شواهد تاریخی، و بیان روشن قرآن کریم، آخرین دین عرضه شده به انسان ها، اسلام است؛ عقل آخرین فرمان الهی را برگزیده و خود را تابع دین کامل و همیشه ماندگار اسلام می داند. استاد شهید مطهری در این خصوص می نویسد: «لازمه تسلیم خدا

1- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج3، ص161

شدن پذیرفتن دستورهای او است و روشن است که همواره به آخرین دستور خدا باید عمل کرد و آخرین دستور خداوند همان چیزی است که آخرین رسول او آورده است(1). به همین جهت قرآن کریم می فرمایند:

{وَمَنْ یَبتَغِ غَیرَ الاِسْلامِ دِیناً فَلَنْ یُقبَلَ مِنهُ }(2)؛ «و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود.»

قرآن مجید در این آیه، اسلام را به معنای وسیعی تفسیر کرده که: تمام کسانی که در آسمان و زمین اند و تمام موجوداتی که در آنها وجود دارد مسلمان اند. پس در برابر فرمان او تسلیم اند؛ زیرا روح اسلام همان تسلیم در برابر حق است(3) و شکی نیست که بشر، زمانی تسلیم در برابر حق است که آخرین دستورات ابلاغی خداوند متعال را عمل کرده باشد. در این صورت گرویدن بشریت به دین الهی و قرار گرفتن در پرتو آن، نور ایمان و سعادت ابدی را به دنبال دارد. در قرآن کریم آمده است:

{کانَ النَّاسُ أُمَّه واحِدَه فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرینَ وَ مُنْذِرینَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْکتابَ بِالْحَقِّ

1- مطهری، مرتضی، عدل الهی، ص271.
2- آل عمران (3) آیه 85.
3- تفسیر نمونه، ج2، ص643.

لِيَحْكمَ بَيْنَ النَّاسِ فيمَا اخْتَلَفُوا فيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فيهِ إِلاَّ الَّذينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَيِّناتُ بَغْياً بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدى مَنْ يَشاءُ إِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ }(1)؛

«مردم [در آغاز] یک دسته بودند، و تضادی در میان آنها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلاف و تضادهایی در میان آنها پیدا شد. در این حال خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند، و کتاب آسمانی _ که به سوی حق دعوت می کرد _ به آنها نازل نمود، تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد با ایمان در آن اختلاف نکردند). تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و به نشانه های روشن به آنها رسیده بود، به جهت انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند، خداوند آنهایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به زمان خودش رهبری نمود. اما افراد بی ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف باقی ماندند. و خدا هر کس را بخواهد هدایت می کند».

به بیان دیگر به تعبیر قرآن، انسان موجودی عبث و بی هدف

1- بقره (2)، آیه 213.

نیست: {وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُون }؛(1) «خلق نکردیم جن و انس را مگر برای بندگی».

هدف از آفرینش انسان این است که بشر در مسیر تکامل خود با اختیار باشد و به سوی کمال نهایی، راه مستقیم و نزدیک را طی کند. انسان برای رسیدن به ساحل امن سعادت، باید در طریق مستقیم قرار گیرد که در آیاتی نظیر: {وَ هُدُوا إِلَی الطَّیِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلی صِراطِ الْحَمیدِ }؛ (2) {اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیمَ} و...(3) {وَ أَنَّ هذا صِراطی مُسْتَقیماً فَاتَّبِعُوهُ }؛ (4) به آن اشاره شده است. بر اساس این آیات، انسان هدفدار است و برای رسیدن به هدف باید راه مستقیم را انتخاب کند و راه فقط دین اسلام است؛ چرا که دین اسلام ذیل دین کامل است. قرآن می فرماید: {وَ تَمَّتْ کلِمَه رَبِّک صِدْقاً وَ عَدْلاً لا مُبَدِّلَ لِکلِماتِهِ وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ }؛(5) «ای پیامبر! سخن پروردگارت که راهنمای راستی و عدالت است با نزول قرآن پایان یافت، هیچ کس یارای آن را ندارد که کلمات او را

1- ذاریات (51)، آیه 5.
2- حج (22)، آیه 24.
3- حمد، آیه 6
4- انعام، آیه 153.
5- انعام، آیه 115.

دگرگون سازد و او شنوا و داناست». براساس این آیه لذا تنها راه برای رسیدن بشر به هدف مطلوب، کامل ترین و بهترین راه هدایت، یعنی اسلام است».

از این رو بشریت برای نجات خود و داشتن فرجامی نیکو، باید در پرتو دین اسلام در راه راست قرار گیرد. و به لحاظ اجتماعی بودن انسان و ارتباط تنگاتنگ سرنوشت افراد بشر به یکدیگر، ضرورت دارد همه جامعه ها و افراد بشر در این راه راست (اسلام) قرار گرفته و مسیر سعادت را طی نمایند. در این صورت است که نیاز به یک حکومت واحد در جهان، بر محوریت اسلام و توحید و در سایه حکومت عدل الهی ضرورت پیدا می کند. آیت الله مصباح یزدی در این باره می نویسد:

«دانستیم که هدف اصلی و اولی از بعثت انبیا کامل کردن شرایط برای رشد و تکامل آزادانه و آگاهانه انسان ها بوده، که به وسیله قرار دادن وحی الهی در دسترس مردم، تحقق یافته است. همچنین اهداف دیگری نیز منظور بوده از جمله می توان کمک به رشد عقلانی و تربیت روحی و معنوی افراد مستعد را به شمار آورد و در نهایت انبیا در صدد تشکیل جامعه ایده آل بر اساس خداپرستی و ارزش های الهی و گسترش عدل و داد در سراسر زمین بوده اند و هر کدام در حد امکان، قدمی در این راه برداشته اند و بعضی از ایشان

توانسته اند در محدوده جغرافیایی و زمانی خاص حکومت الهی را برقرار سازند، ولی برای هیچ کدام از ایشان شرایط تشکیل حکومت جهانی، فراهم نشده است... و با توجه به اینکه امامت، متمم نبوت و تحقق بخش خاتمیت است، می توان نتیجه گرفت که این هدف به وسیله آخرین امام، تحقق خواهد [یافت]...»(1).

این اصل در قرآن کریم به شکل های گوناگون آمده است؛ از جمله: { وَ لَقَدْ کتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ }(2).

بر اساس این آیه و آیات مشابه، روشن می شود که اسلام به عنوان کامل ترین و بهترین دین الهی، به زودی به طور کامل در سراسر گیتی منتشر خواهد شد و با غلبه بر همه اندیشه های دینی و غیردینی دیگر، حکومت عدل الهی را برای سعادت بشری تشکیل خواهد داد و....

1- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، ص329.
2- انبیاء (21)، آیه 105.

2_ 2. حکومت مصلح جهانی (اندیشه مهدویت)

2_2_1. حکومت مصلح جهانی در نگاه آیات

اشاره

همان طور که گفته شد، دین اسلام یک دین کامل و همیشگی است؛ لذا آموزه ها و گزاره های این دین متناسب با شرایط زمان و مکان در حرکت است. و همچنین اسلام و دستورات آن با فطرت انسان _ که قسمت ثابت و ماندگار حیات انسانی است _ هماهنگ است و می تواند بشر را با پاسخ گویی به خواسته ها و نیازهای فطری اش، به ساحل نجات و آرامش برساند. آیات فراوانی از قرآن کریم به روشنی از جهانی بودن حکومت اسلام و فراتر بودن آن از نژاد، قوم، منطقه، جغرافیا و زمان خاص، سخن گفته و به شکل های گوناگون نگاه جهانی اسلام را در تشکیل یک حکومت واحد ترسیم کرده است. در اینجا به ذکر چند آیه به عنوان نمونه اکتفا می کنیم:

الف. {هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّهِ وَ لَوْ کرِهَ الْمُشْرِکونَ}؛(1) «او است خداوندی که پیامبرش را با هدایت، و دین حق فرستاد، تا او را بر همه ادیان غالب گرداند. هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند».

1- توبه، آیه 33.

این آیه علاوه بر سوره «توبه»، در سوره «فتح»(1) و با اندک تفاوتی در سوره «صف»(2) نیز آمده است؛ چرا که قرآن کریم روی جهانی شدن اسلام و پیشرفت آن، تا تشکیل حکومت واحد جهانی تأکید بسیار دارد. به ویژه آنکه سرانجام، اسلام هم از نظر منطق بیان و گفتار و هم از نظر اجتماعی، رشد چشم گیری کرده و اکنون هم در حال رشد، پیشرفت و پویایی است و البته مرحله نهایی این پیشرفت در آینده ای نه چندان دور _ تشکیل حکومت واحد _ در جهان به رهبری واپسین ذخیره الهی تحقق پیدا خواهد کرد.

در تفسیر المیزان درباره این آیه آمده است:

«اضافه کلمه دین به کلمه حق _ به طوری که گفته اند _ اضافه ای است بیانی؛ ولی ظاهراً این اضافه در اصل اضافه لامیه بوده، و عنایت لطیفی در آن به کار رفته، و آن این است که هر یک از حق و باطل، برای خود دینی دارندکه مطابق اقتضای خاص آ نها است، و خدا از بین آن دو، دین حق را پسندیده است؛ برای اینکه خودش حق است و بدین جهت رسول خود را به ابلاغ دین حق گسیل داشته است».

کلمه «اظهار» وقتی در مورد چیزی، علیه چیز دیگر استعمال

1- فتح (48)، آیه 4.
2- صف (61)، آیه 5.

می شود، معنای «غلبه» می دهد. وقتی می گوییم دین اسلام را بر سایر ادیان اظهار داد، معنایش این است که آن را بر سایر ادیان غلبه داد منظور از همه ادیان، تمام روش های غیرخدایی است که در بین بشر رایج است. و این آیه در مقام تحلیل عبارت «والله متم نوره» است که در آیه قبل آمده، و معنایش این است که: خدا نور خود را تمام می کند؛ زیرا خدا آن کسی است که رسول خود را با نورش گسیل داشت. نوری که همان هدایت و دین حق است؛ تا آن را بر همه ادیان غلبه دهد، هر چند مشرکان بت پرست نخواهند. از این دو آیه استفاده می شود که دین حق، نور خدا در زمین است. چنان که این معنا از جمله {مَثَلُ نُورِهِ كمِشْكاه فيها مِصْباحٌ الْمِصْباح }(1) نیز استفاده می شود. با این بیان، دین برای انسان ها نور است و فقط در پرتو این نور، انسان می تواند راه هدایت را تا رسیدن به سعادت طی کند. این نور سراسر جهان را روشن خواهد کرد؛ هر چند دشمنان خدا مخالف باشند. با توجه به اینکه در گذشته این اتفاق نیفتاده و وعده الهی نیز حتمی است؛ پس در آینده محقق خواهد شد.

در روایتی آمده است:

«حضرت امیر علیه السلام هنگام تلاوت این آیه از یاران خود پرسید:

1- رک: المیزان، ج15، صص519-521.

آیا این پیروزی حاصل شده است؟ گفتند: آری حضرت فرمود: نه سوگند به کسی که جانم به دست او است! این پیروزی آشکار نمی شود، مگر زمانی که هیچ آبادی روی زمین نماند، مگر آنکه صبح و شام بانگ «لا اله الا الله» از آن به گوش رسد».(1)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«در آن هنگام که قائم قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نخواهد ماند؛ مگر اینکه شهادت به توحید و نبوّت در آن ندا داده خواهد شد».(2)

ب. {وَ لَقَدْ کتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ }(3)؛ «و همانا در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد».

واژه «ذکر» در آیات متعددی از قرآن کریم، به معانی مختلف از

1- تأویل الآیات، ص663.
2- «اِذا قامَ القائِمُ علیه السلام لایَبْقَی اَرْضٌ اِلاَّ نُودِیَ فیها بِشَهادَهِ اَنْ لااِلهَ اِلاَّ اللهَ واَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّهِ»، تفسیر عیاشی، ج1، ص183، 81؛ و شیخ صدوق، ک مال الدین و تمام النعمه، ج1، ص254.
3- انبیا (21)، آیه 105.

جمله «یاد کردن»، «تورات» و «قرآن کریم» آمده است؛ لیکن مفسران در آیه مورد بحث، دو احتمال داده اند:

1. «قرآن کریم»؛ در برابر زبور را به معنای تمام کتاب های پیامبران پیشین گفته اند. براین اساس معنای آیه شریفه چنین می شود: ما علاوه بر قرآن کریم، در کتاب های آسمانی پیشین نوشتیم سرانجام سراسر زمین در اختیار بندگان صالح خدا قرار خواهد گرفت.

2. «تورات»؛ زیرا عبارت «من بعد» از آیه شریفه، گویای این حقیقت است که در زبور پس از تورات نوشته شده زمین از آنِ بندگان صالح خدا خواهد بود. اغلب مفسران همین احتمال را برگزیده اند.

اطلاق واژه «الارض» درآیه فوق، بیانگر دو مطلب است:

1. جهانی بودن حاکمیت صالحان؛ پس منطقه و بخش خاصی از زمین دراختیار آنان قرار نمی گیرد؛ بلکه سراسر زمین را شامل می شود.

2. بندگان شایسته، برخوردار از منافع مادی ومعنوی تمام زمین هستند؛ بدین سان آنان وارثان و مالکان زمینی خواهند بود که نعمت، برکت، امنیت، عدالت، معنویت و عقلانیت در سراسر آن گسترده است.

علامه طباطبایی رحمه الله در این باره می نویسند:

ص:103

«مراد از وراثت بر زمین انتقال و تسلط صالحان بر منافع مادی و معنوی تمام زمین و به دست آوردن تمام برکات زندگی در آن است؛ یعنی، خدای متعال همه منفعت ها و برکت های زمین را به انسان شایسته انتقال می دهد و او را بر آنها مسلط می گرداند؛ بی آنکه هیچ معامله ای میان صالحان و دیگران صورت گیرد. بنابراین مفاد آیه بیانگر آن است که به زودی سراسر زمین، از شرک و گناه پاک می شود و ساکنان آن سالم و پاک و به دور از هر بدی جامعه ای را تشکیل می دهند که یکتا پرستی فراگیر و مردمان آن جامعه آزادانه به پرستش خدا می پردازند»(1).

ایشان در ادامه می نویسد:

«این برکات زمین، تنها به منافع مادی تمام نمی شود؛ بلکه شامل برکات معنوی و اخروی نیز می شود»(2).

در تفسیر قمی روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام آمده که آن حضرت فرمود: این آیه درباره حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او است.(3)

ج. {وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کمَا اسْتَخْلَفَ

1- المیزان، ج15، صص519-521.
2- المیزان، ج15، صص519-521.
3- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ذیل آیه.

الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِکونَ بی شَیْئاً وَ مَنْ کفَرَ بَعْدَ ذلِک فَأُولئِک هُمُ الْفاسِقُونَ }؛ (1) «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که قطعا آنها را حکمران زمین خواهد کرد همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده پابر جا و ریشه دار خواهد ساخت و ترس شان را به امنیت و آرامش مبدل می کند [آن چنان] که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نمی سازند و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان اند».

در آیه فوق چند نوید امید بخش در دل خدا باوران زنده گشته و به آنان چنین مژده داده شده است:

1. آنان خلافت و حکومت بر جهان را به دست خواهند آورد؛

2. دین حق (اسلام) در جهان رسمی و سراسری و همواره پابرجا خواهد ماند؛

3. وحشت و نا امنی از میان دین داران از بین رفته و امنیت و ثبات جایگزین آن خواهد شد؛

4. پرستش خدای متعال و فرمان برداری از او همگانی و بی هیچ

1- نور (24)، آیه55.

مانعی آزاد خواهد بود؛

5. جلوه های آلوده به شرک از جامعه جهانی رخت بر می بندد و یکتا پرستی در زمین گسترده و حاکم خواهد شد.

عبارت «لیستخلفنهم فی الارض» در آیه مذکور، حکایت از وعده تخلف ناپذیر الهی به مومنان صالح دارد. اطلاق واژه «الارض» ودر آمدن «لام غایت» بر عبارت «یستخلف»، این معنا را آشکار می سازد و نتیجه این بشارت آن است که آیین مورد رضایت مؤمنان در جهان، استوار می گردد؛ ترس از بین رفته و امنیت و ثبات در سراسر زمین برقرار می شود. تفسیر پیشوایان معصوم نیز بر این مطلب صحه می گذارد؛ چنان که امام سجاد علیه السلام در این باره می فرماید:

«هم والله شیعتنا اهل البیت یفعل الله ذلک بهم علی یدی رجل منا و هو مهدی هذه الامه و هو الذی قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لو لم یبق من الارض الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یلی رجل من عترتی اسمه اسمی یملا الارض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا»(1)؛ «سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیتند. خدا این وعده (حکومت جهانی) را برای آنان به دست مردی از خاندان ما که _ مهدی این امت است _ انجام می دهد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره او فرمود: اگر

1- تأویل الآیات، 365.

یک روز از زمین باقی نماند، خدا آن روز را چنان طولانی کند تا مردی از خاندانم _ که هم نام من است ولایت و حاکمیت بر زمین یابد _ آن را از داد بگستراند، همان گونه که از بیداد فرا گرفته شده بود».

طبرسی پس از نقل روایت یاد شده از امام سجاد علیه السلام نوشته است:

«همانند این سخن از امام باقر و صادق علیه السلام گزارش شده است و بدین سان مراد از عبارت «الذین امنوا و عملوا الصالحات»، براساس اخبارو روایات اهل بیت علیه السلام مهدی آل محمد علیه السلام و بشارت به پیامبر وخاندانش علیه السلام است به اینکه در هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام قدرت و حکومت در سراسر جهان از آن حضرت شد، و ترس و نا امنی از جامعه برداشته می شود».(1)

مؤلفه های حکومت جهانی مصلح موعود

1. انقلاب جهانی مهدوی

حکومت واحد جهانی به باور ادیان الهی و با محوریت دین مبین اسلام، به رهبری واپسین ذخیره حق در سرتاسر جهان تشکیل

1- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القران، ج4، ذیل آیه.

خواهد شد.امام مهدی علیه السلام برای اینکه بتواند موانع سر راه تشکیل حکومت، خود را بردارد، نیاز به یک جنبش و انقلاب عظیم دارد. این حرکت باید به شکلی طراحی و اجرا شود که سرتاسر جهان را فراگیرد و زمینه های تحقق حکومت واحد را در تمام هستی فراهم سازد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در چهارچوب موازین و ملاک های دینی و اخلاقی خویش نهضتی عظیم را بر محوریت اخلاق و شرع اسلام ایجاد می کند و با تکیه بر قانون دعوت و جنگ و انقلاب خود را به پهنه گیتی عرضه می کند. برخلاف نظر برخی عوام ساده و یا بعضی عالمان بد اندیش _ که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انقلاب خود را از همان ابتدا با جنگ و خونریزی آغاز می کند _ حضرت ابتدا همه را به راه راست و صراط مهدوی دعوت می کند و به سان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم با هدایت گری کار خود را آغاز می کند. پس از دعوت بسیار و گرویدن تعداد فراوانی از مردم، انقلاب جهانی را شکل می بخشد و مبارزه با مخالفان جنگ طلب و حاکمان منفعت خواه و سیاست بازان بد اندیش را آغاز می کند.

بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام از سیزده شهر با امام زمان مبارزه می کنند که این به معنای جنگ بین دو گروه عمده در جهان؛ یعنی، جبهه حق و جبهه باطل است. در روایت آمده است: «اهل سیزده شهر و طایفه با امام قائم نبرد می کنند: اهل مکه، اهل مدینه، اهل

شام، بنی امیه، اهل بصره، اهل دشت میسان، کردها، عرب های ضبه، غنی باهله، ازد، بصره و اهل ری».(1) امام کاظم علیه السلام پیرامون تفسیر این آیه شریفه (و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها) می فرماید: «این آیه درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فرود آمده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئین، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می نماید»(2).

از آنجا که حکومت مهدوی، جهانی بوده انقلاب مهدی نیز فراگیر و گسترده خواهد بود: «لَیَعْزِلَنَّ عَنْکمْ أُمَرَاءَ الْجَوْرِ وَ لَیُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ کلِّ غَاش»(3)؛ «حکمرانان ستم پیشه را عزل می کند و زمین را از هر انسان نیرنگ باز و فریبکار پاک می سازد».

با توجه به این روایت و روایت های بی شمار دیگر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با یک جنبش اخلاقی و سیاسی زمینه را برای تشکیل

1- ا ثبات الهدی، ج3، ص544، بحارالانوار، ج52، ص336.
2- تفسیر عیاشی، ج1، ص183، اثبات الهدی، ج3، ص549.
3- بحار الانوار، ج51، ص120.

حکومت الهی در سراسر جهان آماده می کند.(1)

2. تشکیل حکومت فراگیر جهانی

پس از انقلاب عظیم مهدوی و هدایت توده مردم به سوی حکومت نور و سرکوبی دشمنان الهی، حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت خویش را تشکیل می دهد و جهان را آماده حرکت در جاده کمال می نماید. بعد از آنکه دنیا از لوث وجود حکومت ها و اندیشه های مدعی پاک شد، تشکیل حکومت واحد عدالت محور طعم شیرینی است که حلاوت آن به مذاق بشریت خوش آمده و انسان ها سعادت را تا ابد یار و همراه خود می بینند. «محدث نوری» در این خصوص می نویسد: «از صفات و ویژگی های مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرا گرفتن سلطنت آن حضرت تمام روی زمین را از شرق تا غرب، برّو بحر، معموره و خراب و کوه و دشت است. نماند جایی که حکمش جاری و امرش نافذ شود و اخبار در این معنا متواتر است».

مهم ترین ویژگی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قرار گرفتن جهان تحت یک مدیریت واحد است. به گونه ای که خودرأیی ها، مقام پرستی ها و خودمختاری های منفعت طلبانه، از میان برداشته خواهد شد و همه مردم بر اطاعت از یک حاکم مقتدر و عادل، اتفاق

1- رحیم کارگر، جستارهایی در مهدویت، ص75 و 76.

نظر خواهند داشت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طی سخنانی نورانی در این باره چنین فرمود:

«یَبْلُغَ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ»(1)؛ «دولت و سلطنت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه شرق و غرب جهان را در بر می گیرد».

و یا در روایتی دیگری از ایشان آمده است.»

«ولا یکون ملک الا الاسلام»(2)؛ در آن روز حکومتی جز حکومت اسلام نخواهد بود».

امیر مؤمنان علیه السلام نیز فرمود:

«حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرق و غرب جهان را تحت سیطره خود درآورد... شرّ از جهان رخت بر بندد و تنها خیر باقی بماند»(3).

این معنا در کلام نورانی امام باقر علیه السلام نیز بدین گونه آمده است:

«حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف 309سال حکومت می کند؛ چنان که اصحاب کهف مدت 309 سال در غار ماندند؛ زمین را پر از عدالت می کند؛ آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد.

1- اربلی، کشف الغمه، ج3، ص97
2- الملاحم و الفتن، ص66.
3- صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص474.

خداوند شرق و غرب عالم را برای او فتح می کند.(1)».

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «وقتی قائم قیام می کند، خداوند آفت را از شیعیان دور می کند و قلب آنان را همچون قطعات آهن، محکم و نیروی هر مرد را به اندازه چهل مرد می سازد. آنان حکومت و ریاست تمامی مردم جهان را به دست خواهند گرفت»(2).

3. امنیت و صلح جهانی

امنیت و صلح واقعی که از گوهرهای دست نیافتنی در طول تاریخ زندگی بشر بوده، از ویژگی هایی است که در حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یافت می شود. در آن عصر خوف ها از بین می رود جان و مال و آبروی مردم در امان قرار می گیرد و در سراسر جهان امنیت و آرامش حاکم می شود. اختناق و استبداد، استکبار و استضعاف _ که همه از پیامدهای حکومت های غیر الهی است _ از جهان رخت بر بسته و حاکمان طاغوت، به هر عنوان و شکلی که باشند ریشه کن خواهند شد. از آیات و روایات به دست می آید که راه ها آن قدر امن خواهد شد که حتی ضعیف ترین مردم در سفر آزار و اذیتی

1- الغیبه طوسی، ص283 ؛ بحارالانوار، ج52، ص291.
2- بحار الانوار، ج52، ص365، الغیبه نعمانی، ص72.

نمی بیند.(1)

4. جامعه واحد جهانی

پس از اینکه حکومت دینی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل شد و حاکمیت خود را (بر تمام دنیا) تثبیت کرد، جهان به شکل واحد و یگانه خواهد شد. البته این به مفهوم برداشته شدن مرزها و یکی شدن کشورها و فرهنگ ها نیست؛ چرا که جهان در دوران ظهور ویژگی های خود را حفظ کرده و خود مختاری و استقلال و شخصیت حقوقی کشورها حفظ خواهد شد. در حکومت مهدوی حساسیت های قومی و قبیله ای برچیده خواهد شد و کشورها چشم طمع خود را نسبت به دیگر همسایگان خواهند بست هر کس در چهارچوب قوانین برای رشد و تعالی کشور خود تلاش کرده و همه با برنامه ای خاص به سوی هدفی مشترک حرکت خواهند کرد، در نتیجه جهان یگانگی خاصی خواهد یافت. امام باقر علیه السلام فرمود: «تمام جهان، ملت واحد می شوند و آن ملت اسلام است و هر چه معبود غیر خدا در زمین باشد، به آتش فرودآمده از آسمان، خواهد سوخت».(2)

1- بنگرید: بحار الانوار، ج52، ص321
2- صافی گلپایگانی، لطف اله، منتخب الاثر، ص308.

5. امت واحد جهانی

حکومت واحد و جهان واحد، به دنبال خود امت واحد را خواهد داشت. از آنجا که هدف جهان در دوران ظهور، رسیدن به کمال مطلق و سعادت ابدی است و این هدف برای همه مردم روشن و رسیدن به آن، از ضروری ترین خواسته های آنان خواهد بود، تمام ملت ها یکی شده و با اراده ای آهنین و وحدتی مثال زدنی به سمت آنچه آنان را رستگار خواهد کرد، سوق می یابند.

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در روایت نورانی می فرماید:

«اگر قائم ما قیام کند، آسمان باران خود را فرو می ریزد و زمین نباتات خود را بیرون می افکند و کینه ها و ناراحتی ها، از دل بندگان خدا زایل می گردد»(1).

این مطلب نشان می دهد که با رفع کینه ها و دشمنی ها، دوستی و تفاهم بین آحاد بشر بیشتر شده، وحدت آنان در راه رسیدن به کمال مطلوب شکل خواهد گرفت و یکی از آرزوهای دیرین بشر، (یعنی ایجاد همبستگی و یکپارچگی در میان انسان ها و نزدیک کردن دیدگاه ها، افکار و آمال آنها به یکدیگر)، محقق خواهد شد. این امر تحقق پیدا نخواهد کرد؛ مگر در سایه حکومت مصلح جهانی وبالا رفتن بینش و نگرش افراد بشر در سایه این نظام الهی.

1- بحارالانوار، ج52، ص316.

در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام می خوانیم:

«به هنگام خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خطاب و ندای عامی به همه مردم جهان می شود و آنها به اطاعت از او فرا خوانده می شوند»(1).

6. قانون ورهبری واحد جهانی

در جامعه مهدوی و حکومت واحد جهانی، رهبری به عهده یگانه ذخیره الهی خواهد بود. از آنجا که شکل و ساختار حکومت بر مبنای نظام سیاسی امامت و ولایت است، این رهبری در سرتاسر جهان به شکل واحد بر عهده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؛ یعنی، شخص امام عجل الله تعالی فرجه الشریف نظام سیاسی اجتماعی جهان را اداره کرده و تمام کارگزاران و حاکمان را خود ایشان انتخاب خواهد نمود(2).

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«به خدا سوگند! وقتی قائم ما قیام کند خداوند همه شیعیان ما را از تمام جهان به دور او جمع خواهد کرد(3)».

قانونی که این رهبر فرزانه و الهی اجرا خواهد کرد نیز واحد و بر

1- منتخب الاثر، ص436.
2- برای آگاهی بیشتر بنگرید: آینده جهان، رحیم کارگر، صص287-252.
3- اثبات الهداه، ج3، ص524، ح415.

اساس آیات قرآن کریم و سنت نبوی بوده و برای تمام جهان و همه انسان های آن زمان واحد خواهد بود؛ یعنی، آنچه اهمیت دارد اجرای حدود الهی به شکل واقعی و کامل در تمام نقاط جهان است. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف طبق قانون دین عمل نموده و قانون و اجرای آن را نهادینه خواهد کرد. چنان که که در روایات آمده است: «چون قائم قیام کند امر تازه، روش تازه و داوری تازه با خود می آورد»(1). روشن است که دین الهی تغییر نکرده و چیز جدیدی نخواهد فرستاد؛ اما آن قدر مردم با حدود و قوانین خداوند فاصله گرفته اند که اجرای قانون و دستورات دین برای آنها جدید و تازه است.

امیر مؤمنان علیه السلام در خصوص قانون و رهبری واحد در زمان ظهور حضرت و حکومت واحد ایشان می فرماید: «او خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند و در حالی که به نام تفسیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد(2)».

1- «اذا خرج [القائم] یقوم بامر جدید و. . . سنه جدید و قضاء جدید. . .»، نعمانی، الغیبه، ص254، ح13.
2- «یَعْطِفُ الْهَوَی عَلَی الْهُدَی إِذَا عَطَفُوا الْهُدَی عَلَی الْهَوَی، وَ یَعْطِفُ الرَّأْیَ عَلَی الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَی الرَّأْیِ» نهج البلاغه، خطبه 138.

در واقع یکی از مهم ترین اقدامات حضرت در بعد قانون گذاری، احیای قوانین اسلام، ارائه برداشت صحیح و درست از آنها و اجرای کامل این قوانین است. وجود یک قانون خوب و برتر باعث رشد و پیشرفت جامعه جهانی می شود.آموزه های حیات بخش اسلام همیشه و در هر مکانی، توانایی پاسخ گویی به نیازهای مختلف جوامع را دارد و در صورت ضرورت، می توان با محوریت قرآن، مقررات و قوانین جدیدی وضع کرد.پس یکی از پایه های اساسی حکومت مهدوی و یکی از بارزترین کارها در این حکومت، وضع قانون واحد و ایجاد رهبری واحد است.

7. نظم واحد جهانی

پس از تشکیل حکومت واحد جهانی و ایجاد رهبری الهی در سراسر گیتی و حاکمیت قانون واحد، نظم جدیدی همه جا را فرا خواهد گرفت؛ که بارزترین و مهم ترین ویژگی آن عدالت و رفع تبعیض در جهان خواهد بود: «زمین را آکنده از عدل و داد می کند».(1)در دوران حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم شاهد گسترش عدالت

1- «یملا الارض قسطا و عدلا. . .»، محمد ابن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص189، ح44.

در تمامی زوایای زندگی بشری _ اعم از سیاسی، اجتماعی و فردی _ خواهند بود: «به خدا سوگند! همان طور که سرما و گرما به داخل خانه هایشان نفوذ می کند، عدالت او به درون خانه هایشان راه خواهد یافت». (1)با برقراری عدالت در سرتاسر جهان و رفع تبعیض، انگیزه های بشری برای ایجاد ظلم و نابرابری از بین خواهد رفت و امنیت و آسایش بر جامعه حاکم خواهد شد: «در زمان او ستم ریشه کن و راه ها امن خواهد شد». (2) لذا در سایه امنیت و عدالت برقرار شده، قوانین به واسطه رشد و درک اجتماعی افراد، بسیار خوب اجرا شده و بی نظمی، هرج و مرج و تصرف به حقوق دیگران برچیده خواهد شد.

8. شکل دهی رضایت جهانی

حرکت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ایجاد تمام ویژگی های لازم برای سعادت بشر _ مانند: نهادینه کردن عدالت وامنیت، معنویت و عقلانیت، صلح و آرامش، اخلاق گرایی، گسترش آیین اسلام و نیز ریشه کن کردن دشمنان بشریت، برچیدن ادیان و مذاهب گوناگون _ باعث رضایت همگانی و خشنودی آحاد ملل در سرتاسر جهان

1- «اما والله لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحرّ و القرّ»، محمد ابن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص297، ح1.
2- «. . . ارتفع فی ایامه الجور و امنت به السّبل»، شیخ مفید، الارشاد، ج2، ص384.

می شود. این رضایت مندی و آرامش همگانی، از آرزوهای دیرین بشر است که در حکومت مهدوی محقق خواهد شد. در این خصوص به چند روایت اشاره می شود:

1.«زمین را پر از عدالت می کند، آن چنان که پر از ستم شده است. در خلافت او اهل آسمان و زمین، حتی پرندگان آسمان خشنود می شوند». (1)

2.«اهل آسمان و ساکنان آن برای ظهور او خوشحال می شوند».(2)

3. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «شما را به مهدی، مردی از قریش بشارت می دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خشنودند».(3)

4. «ساکنان زمین و آسمان به او عشق می ورزند».(4)

1- بحار الانوار، ج52، ص95.
2- لوائح الانوار، ج2، ص70.
3- اثبات الهدی، ج3، ص524.
4- بحارالانوار، ج51، ص104

3. شاخصه های حکومت برتر

اشاره

با بررسی دیدگاه های گوناگون ادیان و دانشمندان در رابطه با برترین شکل حکومت در جهان، به این مهم دست پیدا کردیم که بهترین و کامل ترین اندیشه در این خصوص، نظر اسلام به ویژه مکتب آسمانی تشیع است. در این بخش از نوشتار به برخی از شاخص ها و مؤلفه های برتری این اندیشه برای اداره جهان خواهیم پرداخت:

1. الهی بودن حکومت مهدوی

خداوند متعال در نهاد انسان، فطرتی پاک و بی آلایش نهاده که او را به سمت کمال و تعالی سوق می دهد، انسان پس از اینکه در طول تاریخ مکاتب و قوانین گوناگونی را برای اداره جامعه تجربه کرده، به نتیجه ای نرسیده است! از این رو مشیت الهی بر این قرار گرفته است که بالاخره در پایان تاریخ سراسر سختی و پرفراز ونشیب، انسان به آسایش و راحتی تام و کامل برسد و براساس فطرت پاک خویش، به رهبری الهی اقتدا کند. این وعده ای است که خداوند متعال به بشر داده و به آن عمل خواهد کرد. او سرانجام حکومت های باطل را از بین برده، حکومت و اداره جامعه را به دست صالحان خواهد سپرد:

بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه(1)؛ «با حق بر سر باطل می کوبیم»؛ یمح الله الباطل(2)؛ «خداوند باطل را محو می کند»؛ إنّ جندنا لهم الغالبون؛ «جنود رحمان غالب و چیره اند».

براساس بیان قرآن کریم و شواهد متعدد تاریخی، فرجام نزاع حق و باطل، تشکیل حکومت عدل مهدوی در سراسر جهان ونابودی تمام جباران، ستمکاران، فراعنه و مفسدان تاریخ و حاکمیت صالحان خواهد بود.

2. ایجاد بسترها و زمینه های پیشرفت

جهان برای رسیدن به نقطه مطلوب و پایان نافرجامی ها، نیاز به یک سری مقدمات و زمینه ها دارد که هیچ یک از حکومت ها و سیاستمداران تاریخ، تاکنون موفق به فراهم نمودن آن نشده اند. هر چند عده بسیاری بر این باور بودند می توانند این مهم را به انجام رسانند؛ اما به دلایل مختلف _ که مهم ترین آنها منفعت طلبی و دنیا خواهی همین حاکمان بوده است _ این امر تحقق نیافته است.خداوند متعال این آرزوی بشر را محقق کرده و زمینه های

1- انبیاء(21)، آیه18.
2- شوری(42)، آیه24.

مادی و معنوی این هدف بلند و آرمانی جهان را آماده خواهد نمود. اصحاب و یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار عاشق و آماده برای خدمت به امام خویش هستند. آنها برای خدمت به مردم و جهاد با دشمنان، آمادگی و استقامت لازم را دارند و دل ایشان در عین رأفت و مهربانی، در برابر ستمگران مانند تکه های آهن سخت است؛ «قلوبهم کزبر الحدید، لاتزلّهم الریاح العواصف(1)؛ «دلهایشان همچون پاره های آهن است که طوفان آنان را نلرزاند».

صلابت و نیرومندی از ویژگی کسانی است که در بستر تاریخ، برای تغییر نظام های اجتماعی و زمینه سازی انقلاب های بزرگ و انتقال مردم از مرحله ای از تاریخ به مرحله دیگر، لازم است و یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای این خصوصیات هستند و خداوند این زمینه را هم در افراد و هم در جهان، با ایجاد امکانات مادی و معنوی لازم مهیا می سازد.

3. یاری الهی

از بارزترین نکات در حکومت مهدوی، نصرت و یاری خداوند در تمام مراحل ظهور و تشکیل حکومت جهانی است.یکی از جدی ترین

1- حرّ عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهده، ج3، ص494، ح247.

مشکلات بشر در طول تاریخ برای تحقق عدالت و آسایش در جهان، تکیه بر دانش های انسانی و کمک های بشری بوده است؛ اما حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از یاری خداوند متعال بهره می برد. در این راستا بسیاری از دشمنان آن _ از جمله سپاه سفیانی _ با اراده خداوند از سر راه برداشته می شوند. دل بسیاری از مردم با نور الهی روشن می شود و خود بدون هیچ اعتراض یا مقاومتی به دعوت منجی موعود لبیک می گویند. خداوند متعال خود وعده یاری به صالحان و کسانی که دولت حق را یاری کنند، داده است.

4. جامع نگری

از جمله شاخصه ها و مؤلفه های مهم حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه به همه ابعاد و ویژگی های فردی و اجتماعی بشر است. یکی از اساسی ترین اشکالات مکاتب و نحله های گوناگون بشری تک بعدی و بخشی بودن آنها است. برخی صرفا جهات مادی و برخی صرفا جهات معنوی بشر را مورد توجه قرار می دهند.عده ای شخص انسان را مهم دانسته و کاملا فردی برای بشر برنامه ریزی می کنند و عده ای دیگر اساس را«جامعه» دانسته و توجهی به ویژگی های شخصی انسان ندارند؛ اما حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛ برگرفته از دین کامل و جاودانگی اسلام، به تمام ابعاد فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی بشر توجه ویژه داشته و برای آن برنامه و راه کارهای لازم را ارائه می کند.این حکومت

بر اساس قانونی جامعه را اداره می کند که تمام نیازمندی های بشر را دارا می باشد (لارطب و لایابس الا فی کتاب مبین).

5. مدیریت برتر

اشاره

حکومت جهانی اسلام به رهبری انسانی شایسته و برگزیده الهی اداره خواهد شد که از شاخصه های برجسته برای موفقیت و کامیابی است. قرار گرفتن امامی معصوم از خطا و غفلت و مورد تأیید حضرت حق در رأس حاکمیت، کمک می کند حکومت بر اساس مدیرتی برتر و با ویژگی های منحصر به فرد مدیریت شود. برخی از ویژگی های مدیریتی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف عبارتند از:

5-1. بهره وری کامل از علم

در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دانش و علم که همواره بشر به دنبال رشد و پویایی آن بوده است، پیشرفت و گسترش چشمگیری می کند.درهای دانش و علم گشوده می شود و چندین برابر حال حاضر، علم در هستی گسترش پیدا می کند. مردم نسبت به قبل از ظهور و، حکومت حضرت مهدی، بسیار عالم تر می شوند. در رأس این حکومت امام عالمی است که کسی دانشمند تر و حکیم تر از او

نیست: «اوسعکم کهفا و اکثرکم علما»(1)؛ «علم و دانش در قلب و وجود او ریشه دوانده و جای گرفته است». «إنّ العلم بکتاب الله عزوجل و سنه نبیه ینبت فی قلب مهدینا کما ینبت الزرع علی أحسن نباته»، «به درستی که علم به احکام خدا و سنّت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در دل مهدی می روید؛ همان طور که زراعت به بهترین شکل می روید(2)». این علم الهی و دانش به روز، برگرفته از سنت پیامبر و قرآن کریم، شاخصی است راه گشا که تنها حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن بهره می برد. در طول تاریخ به جهت موانع بسیاری که بر سر راه حق و حقیقت بوده است، انسان هیچ گاه نتوانسته به این حد از علم و دانش الهی بهره ببرد که مهدی موعود در حکومت عدل خویش از آن بهره برداری می کند.

2-5. سعه صدر و بینایی

مشکلات فراوان و سختی های طاقت فرسا در عصر پیشا ظهور، مردم را بسیار مضطرب و بی اعتماد به حاکمان نموده است که برای

1- محمد بن ابراهیم، نعمانی، الغیبه، ص212، ح1.
2- شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ج2، ص653؛ بحار الانوار، ج52، ص317.

هدایت و رفع این مشکلات نیاز به صبر و سعه صدر بالایی است. جهانِ غرق در مفاسد، نا امنی و فقر نیاز به رهبری صبور، آگاه، بادرایت و خداگونه دارد تا بتواند کشتی نجاتی برای بشریت بوده، آن را به ساحل نجات برساند. سعه صدر، صبر و کار و تلاش بر مبنای آگاهی، بصیرت و بینایی، از جمله ویژگی هایی است که حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای رفع این مشکلات از آن برخوردار است.این ویژگی مهم بیشتر به جهت توان فکری و علمی کارگزاران و مردم دوران ظهور است.برخورد مناسب با مشکلات، دعوت از همه گروه های کارساز، اصرار بر هدایت همه مردم و اتمام حجت با مخالفان، از نشانه های بارز و روشن حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که دلالت بر سعه صدر، آگاهی و بصیرت بالای کارکنان و حاکمان دوران ظهور دارد.

3-5. مدیریت بی نظیر جهان

برقراری امنیت همه جانبه و رفع فتنه از جهان، به همراه یک محبوبیت عمومی برای حضر ت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (1)، رفع اختلافات و خصومت ها(2)، تأمین عدالت اجتماعی به معنای حقیقی کلمه(3)، تألیف

1- «المهدی محبوب فی الخلائق یطفی الله به الفتنه الصّماء»: یوم الخلاص، ج2، ص640.
2- «فوالله یا مفضل!لیرفع عن الملل والادیان الاختلاف»: بحارالانوار، ج53، ص4.
3- «فیریکم کیف عدل السیره»: نهج البلاغه، خطبه 138.

قلوب و ایجاد صمیمیت(1)، رشد اخلاقی و تربیتی به همراه کارآمدی کارگزاران امور و وجود قوانین الهی و رهبری امام علیه السلام کمک می کند تا جامعه در دوران ظهور به بهترین شکل ممکن اداره شود، و رضایت همه مردم را فراهم گردد. نوع عملکرد حکومت به شکلی است که کوچک ترین شکایت یا نارضایتی در بین مردم دیده نمی شود. این نحوه حکومت داری تا به آن روز در جهان سابقه نداشته و جامعه با قوانین و وحی الهی به بهترین شکل ممکن اداره و هدایت می شوند.

6. برخورداری از امکانات لازم

هر حکومتی برای رسیدن به اهداف خویش، نیاز به امکانات و توانمندی های لازم و کافی دارد. در جهان قبل از ظهور، به دلیل فراوانی ایده ها و وجود اختلافات وجنگ ها و نیز محرومیت بشر از بیشتر منابع زمین _ که البته به جهت عملکرد خودشان بوده است _

1- «. . . یظهر الله عزّوجلّ الحقّ و العدل فی البلاد و یحسن حال عاوه العباد و یجمع الله الکلمه و یؤلف بین القلوب مختلفه»: محمد بن علی شیخ صدوق، کمال الدین، ج2، ص646، ح7؛ محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج1، ص337، ح2.

هیچ گاه امکانات و لوازم لازم برای آسایش بشر آماده نشد؛ ولی در دوران ظهور امام علیه السلام و محوریت پیدا کردن دین اسلام در سراسر دنیا، فراوانی نعمت ها و امکانات زمین _ در کنار امکانات انسانی و فرهنگی _ همه چیز برای یک حاکمیت عدالت محور مهیا می شود: «خداوند برای قائم گنج ها و معادن زمین را آشکار می سازد»(1)و نیز: «در هنگام ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین آنچه در اعماق خویش دارد، برای وی بیرون می ریزد و همه امکانات خود را در اختیارش می گذارد...»(2).

7. کارآمدی و به روز بودن

یکی از بارزترین شاخصه های حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حرکت بر اساس نیاز و شرایط آن دوران است. رشد چشمگیر علم و فن آوری و بهره مندی بشر از تمام علوم و فنون، به واسطه روشن گری و حکمت آموزی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و استفاده از تمام توان و استعداد انسان و همه منابع و امکانات زمین باعث می شود که حکومت، جامعه تحت حاکمیت خویش را بر مبنای رشد علمی و شناخت دقیق اداره کند.

1- «یظهر الله عزّوجلّ له کنوز الارض و معادنها»، کمال الدین، ج2ص394.
2- «تخرج له الارض افالیذه کبدها و تلقی الیه سلما مقالیدها. . .»: نهج البلاغه، خطبه ی 138.

به دلیل اینکه محدودیت و مانعی از افاضه علم بی کران امام علیه السلام وجود ندارد و همه شعبه ها و گونه های مختلف دانش بشر، رشد و پیشرفت زیادی می یابد و نیز این دانش و علم متصل به غیب و علم نامحدود الهی است، آثار و برکات فراوانی به همراه خواهد داشت که یکی از آن آثار و برکات به روز بودن عملکرد حکومت در اداره امور جامعه و کارآمدی بالای آن است.

8. همراهی و همدلی مردم

پیش تر گذشت که حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک رضایت عمومی را در جهان به وجود می آورد و مردم دنیا برای اولین بار در تاریخ، به صورت عمومی و همگانی، از نظام حاکم خویش رضایت کامل خواهند داشت. این رضایت از حکومت، همراهی، همدلی و استقبال ویژه ای را به دنبال دارد که هر کجا و با هر شرایطی که دولت مهدوی لازم بداند مردم همراهی و کمک می کنند؛ چون آنان هر آنچه را که از یک حکومت برتر انتظار دارند، تحقق می یابد و به واسطه عدل مهدوی و آسایش و آرامش حاکم بر جامعه، مردم اطمینان فراوانی به حاکمیت پیدا می کنند. از طرفی به جهت روحیه بالای دینی و نگاه معنوی و آخرت گرای حاکم بر اجتماع، همراهی

مردم در امور به حد اعلای خود می رسد. مردم عصر ظهور مصداق این آیه قرآن کریم هستند که: {والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض}؛ «ومردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند». این دوستی و ارتباط صمیمی بین مردم، باعث همبستگی، همدلی، اتحاد و همکاری با یکدیگر در امور اجتماعی می شود.

9. برخورداری از کارگزاران کارآمد

در عصر ظهور یاران خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برگزیدگان اهل زمین بوده و شایستگی های لازم و لیاقت و کفایت اداره امور و تدبیر همه مردمان را دارا خواهند بود. کارگزاران حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از صفات و ویژگی های برجسته ای برخوردارند؛ چنان که در روایتی کارگزاران و بر پا دارندگان امور خلق چنین معرفی شده اند: «و انتم قوّام الارض و خزّانها».(1) از دیگر ویژگی های بارز آنان نفوذ و جایگاه بالای آنان در میان مردم است؛ چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید: «گویا اصحاب و یاران امام قائم را می بینم که شرق و غرب عالم را پر کرده اند.هیچ چیز در عالم پیدا نمی شود؛ مگر اینکه از آنها اطاعت می کند (و هو مطیع لهم) و حتّی درندگان و

1- بحارالانوار، ج52، ص335، ح69.

پرندگان وحشی نیز مطیع آنان هستند.همه چیز روی زمین، خواهان به دست آوردن رضایت آنان است تا جایی که قطعه ای از زمین بر قطعه ای دیگر افتخار می کند و می گوید: امروز مردی از یاران قائم بر روی من عبور کرد».(1)

این بزرگان از اقصی نقاط جهان، پرچمداران و حاکمان روی زمین، مدافعان مخصوص امام علیه السلام، ارکان و پایه های محکم حکومت مهدوی، دارای قدرت ناشی از ایمان کامل و .... هستند که در اداره امور جامعه پس از ظهور با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همکاری می کنند.(2)

10. دارای برنامه و تلاشگر

اشاره

از مؤلفه های بارز این حکومت، با برنامه بودن آن است.تلاش چشمگیر و فعّالیت مستمر نیز از جمله ویژگی هایی است که به صورت همگانی، در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رعایت می شود.مردم و حکومت در دوران ظهور، همگام با هم برای هر چه بهتر شدن اوضاع جامعه به صورت شبانه روزی و با اخلاص وایمان خاصی تلاش می کنند.حرکت روبه جلو و با برنامه در حکومت عدل مهدوی در تمام زوایا و ساحت های گوناگون جامعه از جمله فرهنگی، علمی و

1- حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهده، ج3، ص494، ح248.
2- رک: کارگر، رحیم، آینده جهان، ص272-281.

اعتقادی، اخلاقی نشان از حرکت با برنامه و فعّال حکومت دارد.در این جا به بعضی از این تلاش ها ی ویژه اشاره می شود:

1-10. برنامه های فرهنگی

وضعیت اسفناک حاکم بر جهان پیشا ظهور و وجود مشکلات متعدد اجتماعی و فرهنگی، باعث می گردد روابط انسانی و اجتماعی از هم گسیخته و رها شوند (تصیر الدنیا هرجا و مرجا)(1). خانواده ها دچار بی ثباتی و تزلزل می گردند.حرمت ها شکسته می شود و روابط غیر اخلاقی و به دور از فرهنگ سالم دینی، بر جامعه حاکم می گردد.در این چنین وضعیتی توجه به امور فرهنگی _ از اهمیت ویژه و بالایی برخوردار است.تعمیق «فرهنگ دینی» و نهادینه کردن روابط فردی و اجتماعی بر اساس آموزه های دینی و معرفت الهی، از راه کارهای مهم و اثر بخش برای وضعیت نامطلوب بشر در آن زمان است. حکومت مهدوی از حد اعلای معارف دینی برای اداره جامعه برخوردار است. یکی از مهم ترین ویژگی ها و مؤلفه های آن، توجه به فرهنگ عمومی و جهاد فرهنگی در سطح جهانی است. به عنوان نمونه به چند مورد از کارهایی که در آن دوران طلایی و قیام فرهنگی برای رشد وتعالی فرهنگ جامعه انجام می پذیرد، اشاره می شود:

1- بحارالانوار، ج52، ص380، ح189.

الف. تثبیت دین اسلام به عنوان محوری ترین عامل برای اصلاح جامعه و از بین بردن اختلافات دینی در سطح جهان: «به خدا سوگند ای مفضل !اختلاف از میان ادیان برداشته می شود و همه به صورت یک آیین در می آید؛ همان گونه که خداوند عزّوجل می فرماید: دین در نزد خدا فقط اسلام است». (1)

ب. ارائه اسلام اصیل و به دوراز انحرافات و تحریفاتی که در گذر سالیان متمادی در تاریخ، به این دین افزوده شده است.چنان که در روایتی آمده است: «هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، امری جدید می آورد؛ همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد».(2)

ج. گسترش و همگانی کردن دستورات دین و آشنایی عمیق مردم با آموزه های وحیانی: «[مهدی]زمین را از عدل و داد وبرهان و دانش و نور [هدایت] آکنده می کند تا آنجا که سراسر گیتی به وی

1- «فوالله یا مفضل !لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف و یکون الدین کلّه واحده کما قال الله (إنّ الدین عندالله الإسلام). . .»، بحارالانوار، ج53، ص4.
2- «إذا قام القائم (عج) جاء بامر جدید کما دعا رسول الله (ص) فی بدو الإسلام الی امر جدید»، محمد بن محمد شیخ مفید، الارشاد، ج2، ص384؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج2، ص465.

ایمان آورده و کافران، مسلمان می شوند و فاسقان صالح می گردند». (1)انجام این امور و دیگر فعّالیت های اجتماعی و فرهنگی در قالب جهادی همگانی، جامعه مهدوی را به نقطه کمال و اوج فرهنگ می رساند.

10-2. برنامه های اخلاقی

یکی از مهم ترین ویژگی های حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اخلاق محوری و جهاد اخلاقی در سطح جامعه است. انسان که جزء اصلی جامعه سالم و با اخلاق است؛ اصلی ترین محور قانون گذاری، برنامه ریزی و سیاست گذاری جامعه می باشد. درهر جامعه ای بهترین برنامه ها و قوانین باید به دست بهترین و شایسته ترین افراد و مجریان طرح ریزی و اجرا شود.(2) بر همین اساس حکومت مهدوی بهترین و عالی ترین برنامه های اخلاقی را برای رشد جامعه خود دارا می باشد. در جامعه عصر ظهور:

الف. با هواهای نفسانی مبارزه می شود: «[مهدی مردمی را که از

1- «یملأ الارض عدلا و قسطا و نورا و برهانا یدین له عرض البلاد و طولها لا یبقی کافر إلا آمن و لا طالح إلا صلح»، احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج2، ص291، بحارالانوار، ج52، ص280، ح6.
2- رک: حکیمی، محمد، عصر زندگی، ص205.

مسیر نورانی انبیاء علیه السلام منحرف شده و] از هوا پیروی می کنند، به سوی هدایت بر می گرداند، در آن هنگام که آن مردم، هدایت را به هوا و هوس خود ارجاع می نمایند».(1)

ب. رذایل و زشتی ها ریشه کن می شود: «همه خیر ها در آن زمان است که مهدی قیام می کند و همه این زشتی ها را از میان بر می دارد».(2)

ج. کینه ها از بین می رود: «اگر قائم ما قیام کند... کینه ها و دشمنی ها از سینه ها بیرون می رود».(3) و با فراهم کردن مجموع خوبی ها و از بین بردن اخلاقیات زشت وناپسند و با قرار دادن مردم در مسیر فهم و شناخت صحیح با جهادی همه جانبه، اخلاق را در جامعه نهادینه می کند.

3-10. برنامه های علمی

«در زمان قائم حکمت و دانش به [مردم] ارزانی می شود تا جایی

1- «یعطف الهوی علب الهدی إذا عطفوا الهدی علی الهوی. . .»، نهج البلاغه، خطبه 38.
2- «. . . الخیر کلّه فی ذالک الزمان یقوم قائمنا و یدفع ذالک کلّه»، شیخ طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، ص437.
3- «لو قام قائمنا. . . لذهبت الشحناء من قلوب العباد»: محمد بن علی شیخ صدوق، الخصال، ج2، ص426.

که زنان در خانه خود، به کتاب خدا و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکم می کنند(1)». از آنجا که در آن زمان مردم دنیا با روشنگری های انجام شده توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در می یابند که تمام سعادت دنیا و آخرتشان در قرآن و سنت نهفته است، حتی در خانه های خویش برای یادگیری این تعالیم ارزشمند تلاش می کنند.

نتیجه این جهاد و تلاش علمی و گسترش سطح آگاهی و دانش مردم، اختراعات، اکتشافات، ارتباطات و فن آوری به نهایت کمال خواهد رسید. مردم آن عصر، در بهترین برهه از زمان، زندگی خواهند کرد. روایات، جهان آن روز را جهانی متمدّن و در اوج قدرت و پیشرفت علمی معرّفی می کنند. به طور کلّی صنعت در آن روزگار، با صنعت کنونی فرسنگ ها فاصله خواهد داشت؛ چرا که: «علم و دانش 27 حرف (شعبه) است. تمام آنچه پیامبران الهی آورده اند، دو حرف (شعبه) بیشتر نبوده و مردم تاکنون جز دو حرف آن را نشناخته اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند، 25 حرف دیگر را آشکار می سازد و در میان مردم نشر می دهد و دو حرف دیگر را به

1- «و تؤتون الحکمه فی زمانه حتّی أنّ المرأه لتقضی فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم»، الغیبه، ص239، ح30؛ بحارالانوار، ج52، ص352، ح106.

آن ضمیمه می کند تا 27 حرف کامل و منتشر شود».(1)

10-4. جهاد اعتقادی

دنیا پرستی، بت پرستی و بی اعتقادی نظری و عملی در جهان پیش از ظهور، دردی است که همگان را آزار می دهد. عده ای از مردم، به لحاظ ضعف فرهنگ و برخی هم به لحاظ منافع دنیوی خود، اعتقاد به خدا و معنویت را از گردونه مباحث اجتماعی و خواسته های مردمی خارج کرده، بر طبل بی خدایی و مادی گرایی می کوبند. اما در حکومت مهدوی و جامعه پس از ظهور _ که بر مبنای توحید و گرایش های فطری بشر اداره می شود _ اعتقاد و باور به خدای متعال و جهان پس از مرگ، مهم ترین و برجسته ترین ویژگی است.رشد و بالندگی فکری و فرهنگی بشر در آن دوران، باعث می شود سعادت ابدی خویش را در اعتقاد به خدای متعال و برخورداری از نظام توحید محور جست وجو کنند. با این رویکرد

1- «العلم سبعه و عشرون حرفاً فجمیع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم یعرف الناس حتّی الیوم غیر الحرفین، فاذا قام قائمنا اخرج الخمسه و العشرون حرفا فبثّها فی الناس و ضمّ الیها الحرفین، حتّی یبثّها سبعه و عشرین حرفا»: علی بن عبدالکریم نیلی، منتخب الأنوار، ص201؛قطب الدین روندی، الخرائج و الجرائح، ج2، ص841.

دینی و جهاد اعتقادی، باور به معاد و توحید ناب اسلامی در مردم رشد یافته و یگانه محور پرستش در عالم، خدای متعال خواهد بود.

11. اهداف متعالی و در دسترس

یکی از مهم ترین ویژگی ها و شاخصه های حکومت مهدوی _ که به برتر بودن آن کمک فراوانی می کند _ داشتن اهداف عالی و بلندی است که در عین برخورداری از درجات متعالی، در دسترس و قابل تحقّق هستند؛ یعنی، هر آنچه را که بشر در طول تاریخ برای سعادت جامعه انسانی آرزو می کرده و نتوانسته است به آن دست یابد، در حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف به روشنی خواهد رسید و راه سعادت خود را پیدا خواهد کرد.در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اهداف و آرمان ها به شکل خیالی، ایده آلی و غیر قابل دسترس نیست؛ بلکه متناسب با نیاز و فطرت انسانی، بوده و سعادتمندی ابدی بشر در گرو تحقق آن اهداف است.

12. تسلط بر امور

چنان که گذشت حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از امکانات لازم، مدیریت و درایت عالی، برنامه وتلاش فراوان و کارگزاران بسیار سخت کوش، با ایمان و... برخوردار است. این عوامل به اضافه رهبری الهی امام علیه السلام، کمک می کند حکومت، با تسلط خاصی اداره امور را بر عهده گرفته و بر تمام ابعاد جامعه اشراف کامل داشته باشد و حکومت با اقتدار

ویژه و نفوذ معنوی، همه آنها را تحت نظارت خود قرار دهد.

ص:139

کتابنامه

1.آشتیانی، جلاالدین، تحقیقی در دین مسیح، چاپ دوم، تهران، نشر نگارش، 1379.

2.آقا بخشی، علی و دیگران، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، 1374.

3.ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، 20جلد، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، 1404.

4.احمدی، بابک، مارکس و سیاست مدرن، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، 1379.

5.اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، چاپ اول، تبریز: مکتبه بنی هاشمی، 1381.

6.ارجمند، سهیل، پیش بینی آینده، وسوسه ای برای نویسندگان، تهران: همشهری، 22/2/1378.

7.اصغری، امیر حسین، اندیشه دینی و بحران در نظرات آینده پژوهانه، تهران: کیهان، 2/11/1379.

8.امیری، مجتبی، پایان تاریخ و بحران اعتماد (بازشناسی اندیشه های تازه فوکویاما)، تهران: اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره 97و98.

9.امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، قم، شفق، 1379ش.

10.امینیان، مختار، مبانی اخلاق اسلامی، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب، 1381.

11.بشریه، حسین، آموزش و دانش سیاسی، چاپ دوم، تهران: نگاه معاصر، 1380.

12.بنی هاشمی، سیدمحمد، معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نیک معارف، 1383ش.

13.پولادی، کمال، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، ج2، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز، 1382.

14.توفیقی، حسین، هزاره گرایی و فلسفه تاریخ مسیحیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1378ش.

15.توین بی، آرنولد، فلسفه نوین تاریخ، ترجمه و گردآوری بهاءالدین پازارگاد، تهران: کتابفروشی فروغی، 1366.

16.جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1378.

17.جمعی از نویسندگان، نور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران، آفاق، 1401ق.

18.جونز، وت، اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین،

19.حرّ عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهدی، (بالنصوص و المعجزات من الامام...)3جلد، چاپ اول، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، بی تا.

20.حسینی، دهشیار، جهانی شدن تکامل فرآیند برون بری ارزش ها و نهادها، فصلنامه نگاه حوزه، شماه 99-98.

21.حکیمی، محمد، عصر زندگی و چگونگی آینده اسلام و انسان، چاپ ص:141

چهارم، قم: بوستان کتاب، 1380.

22.خسروشاهی، سیدهادی، مصلحی جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت، تهران، اطلاعات، 1374ش.

23.دورانت، ویل، تاریخ تمدن، یونان باستان، ج2، ترجمه امیرحسین آریان پور

24.رنی، آستین، حکومت: آشنایی با علم سیاست، ترجمه لیلا سازگار، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1374.

25.سیوطی، جلال الدبن، العرف الوردی، چاپ اول، دمشق: دارالکوثر، 1424.

26.صافی الگلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، چاپ اول، قم: سیده المعصومه، 1419.

27.صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1380.

28.صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، الخصال، چاپ دوم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1403.

29.صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، 2 جلد، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، 1395.

30.طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القران، چاپ اول، تهران، رابطه الثقافه ی و العلاقات الاسلامیه، 1417

31.عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، 1380.

32.فوکویاما، فرانسیس، ده سال پس از طرح فرضیه پایان تاریخ، پگاه حوزه، ش4.

33.فوکویاما، فرانسیس، فرجام تاریخ و واپسین انسان، ترجمه علی رضا

ص:142

طیب، مجله سیاست خارجی، ش2و3.

34.قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، چاپ سوم، قم، دارالکتاب، 1404،

35.کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، چ2، مرکز تخصصی مهدویت، قم، 1387.

36.کارگر، رحیم، جستارهایی در مهدویت، ج1، مرکز تخصصی مهدویت، قم، 1386.

37.کارگر، رحیم، جهانی شدن و حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فصلنامه انتظار، ش6،

38.کاظمی، علی اصغر، اخلاق و سیاست: اندیشه سیاسی در عرصه عمل، چاپ اول، تهران: قومس، 1376.

39.لاریجانی، محمد جواد، درس های سیاست خارجی، چاپ اول، تهران: مشکوه، 1377.

40.لاریجانی، محمدجواد، کاوشهای نظری در سیاست خارجی

41.مجلسی، بن محمد تقی، محمد باقر، بحارالانوار،، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404قمری.

42.مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج14.

43.موسی، غنی نژاد، پایان تاریخ و آخرین انسان، (ماهنامه اطلاعات سیاسی _ اقتصادی)، شماره 64-63.

44.ندروین، فوکویاما و دموکراسی لیبرال پایان تاریخ، ترجمه پرویز صداقت، ماهنامه اطلاعات سیاسی _ اقتصادی شماره 80-79،

45.هااو، لئووآلن وین، پیش گویی آینده، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، تهران، نشر نی، 1378.

46.الیاده، میرچا، دائره المعارف دین، فصلنامه انتظار، قم: ش6.

ص:143

47.یاسپرس، کارل، آغاز و انجام جهان، ترجمه محمد حسن لطیفی، چاپ اول، تهران: خوارزمی، 1363.

48.یوسفی راد، مرتضی، اندیشه سیاسی خواجه نصیر الدین طوسی، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، 1380.

یادداشت

ص:145

یادداشت

ص:146

یادداشت

ص:147

یادداشت

ص:148

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109